

نبرد خلق

کارگران همه ی کشورها
متحد شوید

شماره ۳۷۳
دوره چهارم سال سی و دوم
اول مرداد ۱۳۹۵

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سرمقاله

فیشهای حقوقی؛ شرط حیاتی تداوم سُلطه حکومت

منصور امان

رقابتهای درونی باندهای قدرت در جمهوری اسلامی، چهره تازه ای از غارت سازمان یافته ثروت همگانی را به جامعه معرفی کرده است. دستگاه اطلاعاتی سپاه پاسداران از طریق درز دادن چک و فیشهای حقوقی شماری از مدیران ارشد دولت، جامعه شوکه شده از فساد دولت پیشین را با پهنه های جدیدی از گندیدگی "نظام" روبرو ساخته است. در کارزار گسترده ای که باند آقای خامنه ای علیه رقبای خود و برای تضعیف بوروکراسی دولت جناح میانه به راه انداخته، هر روز ابعاد بیشتری از چپاول خزانه همگانی آشکار می گردد. برخلاف پرده درپهای پیشین که موضوع آن را تبهکاری و راهزنی این یا آن بزرگوار یا پاپور از چشم افتاده تشکیل می داد، این بار سخن از تاراج رسمی، شرعی، مجوزدار و پیش بینی شده است؛ امری که فساد در ساختار نظام ولایت فقیه را نه همچون غده ای در پیکره سالم، بلکه به مثابه رکن ذاتی موجودیت آن در برابر داوری جامعه گذاشته است.

کیسه هایی که از خزانه انباشته شد

اردیبهشت ماه سال جاری یورش دستمزدی همدستان آقای خامنه ای با افشای فیشهای حقوقی سه تن از معاونان بیمه مرکزی (نهاد دولتی کنترل کننده موسسات گوناگون بیمه ای و فروشنده بیمه های انکابی) آغاز گردید. براساس اسناد ارائه شده، مدیران بنگاه مزبور ماهانه به طور متوسط بیش از ۵۰ میلیون تومان حقوق دریافت می کردند و همزمان از مزایای دیگری همچون وامهای کلان با بهره ناچیز و فوق العاده های توضیح ناپذیر بهره می بردند.

همانگونه که انتظار می رفت، رییس موسسه مزبور و نیز کمیته ای که از سوی وزیر اقتصاد برای بررسی موضوع تشکیل شد، پخش چنین مبالغی را تکذیب کرده و رقمهای انکار ناپذیر مُندرج در فیشهای حقوقی را "سووتفاهم در فضای رسانه ای" خواندند. در پاسخ، باند آقای خامنه ای اسناد دریافتیهای رییس بیمه مرکزی، آقای ابراهیم امین، را نیز منتشر ساخت که از حقوق ۶۰ میلیون تومانی، اضافه کاری فوق العاده ۴۲ میلیون تومانی، فوق العاده خاص ۶ میلیونی و سرانجام به جیب زدن ۴۲۰ میلیون تومان "وام ضروری" حکایت می کرد.

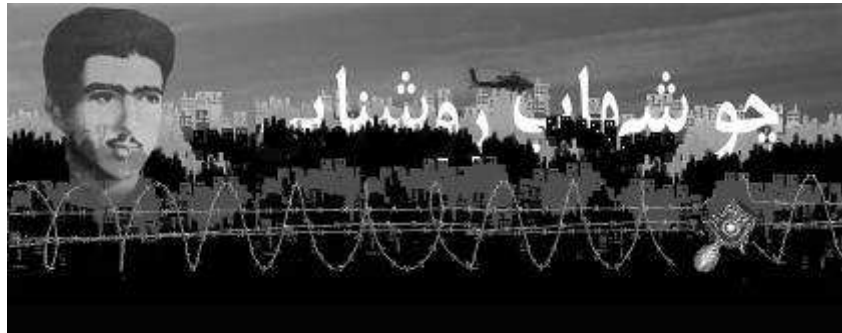
در صفحه ۳

=====

زنان در مسیر رهایی

اسد طاهری

صفحه ۱۴



یادداشت سیاسی

خامنه ای فاشیسم دینی را جار زد

مهدی سامع

صفحه ۲

مافیای قدرت و ثروت به دنبال نیروی کار ارزان در مناطق آزاد

زینت میرهاشمی

صفحه ۴

حمایت بیش از ۵۰ تن از فعالان سازمان بین المللی سوسیالیست از سعید شیرزاد و امیر امیر قلی

تهیه: لیلا جدیدی

صفحه ۷

ما اسباب بازی شما نیستیم

احمد منصور(۱) منبع: تاتس برگردان: بابک

صفحه ۵

کارورزان سلامت

امید برهانی

صفحه ۸

چالشهای معلمان در تیر ماه

فرنگیس بایقره

صفحه ۱۴

مقدمه بر مقاله

«یک سال مبارزه چریکی در شهر و کوه»

نوشته رفیق کبیر حمید اشرف

ویرایش دوم - مهدی سامع

صفحه ۶

اجلاس میان دوره ای شورای ملی مقاومت ایران

صفحه ۱۴

دانشگاه در ماهی که گذشت

کامران عالمی نژاد

صفحه ۱۰

رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

صفحه ۱۲

آسمان بدون آفتاب

در سوک احمد شاملو

م. وحیدی (م. صبح)

صفحه ۱۶

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

یادداشت سیاسی

خامنه ای فاشیسم دینی را جار زد

مهدی سامع

حمله موشکی و جلوگیری
از کمک رسانی به لیبرتی،
تصویری روشن
از سرچشمه
سیاست خارجی رژیم

لیلا جدیدی

نین می گوید: "سیاست خارجی همیشه بازتاب روابط داخلی است." جمهوری اسلامی علیرغم ژستهای توخالی و دیپلماسی لیخنه برای غرب، با ادامه اعمال وحشیانه تروریستی و جنایتکارانه علیه مخالفان خود، نشان می دهد که فقط پالانش عوض شده است و نه سیاست خارجی اش. رژیم این امر را به بهترین صورت در سازماندهی حمله موشکی به زندان (کمپ) لیبرتی و سپس جلوگیری از رسیدن کمکهای غذایی، دارویی و دیگر خدمات به ساکنان آن به اثبات رسانده است.

تنها پنج روز پیش از برگزاری گردهمایی مقاومت ایران در پاریس، جمهوری اسلامی که از هرگونه اقدام متحدانه و متشکل علیه حکومت استبدادی خود در هراس است، با حمله موشکی به ساکنان کمپ مزبور دست به یک اقدام جنایتکارانه زد.

در حالی که در اثر این اقدام جنایتکارانه، ۵۰ تن از اعضای ایوبزبسون مجروح و مصدوم شده اند، بخش قابل توجهی از امکانات و اماکن آنها منهدم شده و نیاز کمپ به مواد دارویی، لجستیکی و غذایی بسیار بیشتر شده، دولت عراق به سفارش رژیم از رسیدن این خدمات به ساکنان جلوگیری می کند. این امر جنایت جنگی بنا بر میثاقها و تعریفهای بین المللی است.

واکنش رژیم در برابر دیگر هموطنان مخالف و معترض، از کارگر و معلم و پرستار و دانشجو تا دیگر اقشار، به همین صورت استفاده از ابزارهای قهری، شکنجه، تبعید، زندان و اعدام است که در خارج از مرز، شکل ترور و موشک باران به خود می گیرد.

جمهوری اسلامی بزرگترین دشمن خود را مبارزه و مقاومت سازمان یافته می داند و از آنجا که در رقابت سیاسی مسالمت آمیز از پیش خود را بازنده می بیند، برای بقای خود جز به حذف فیزیکی مخالفان و منتقدان و پاک کردن صورت مساله نمی اندیشد.

موشکهای جنایتکاران حاکم بر ایران، آتش خشم توده های مردم را خاموش نخواهد کرد، بلکه ریشه ارتجاع ولی فقیه را خواهد سوزاند.

طرفهای خارجی جمهوری اسلامی که بر سر میز با رژیم می نشینند، این نشانیهای روشن از سرچشمه سیاست خارجی آن را باید ببینند.

فراسوی خبر... شنبه ۱۹ تیر

ممکن است شما بگویید فلان روش، روش غلط، تند یا ناکارآمدی است و فلان روش روش بهتری است، اینها بحث دیگری است، اما در اینکه باید مواجهه و مقابله کرد، در این کسی نباید تردید کند.

رهبر معظم فاشیستهای اسلامی با جانماز آب کشیدن و با وارد کردن تهمت «بی عفتی» به زنانی که زیر بار خجابت اجباری نرفته و نخواهند رفت، بوی تعفن ولایت اش را لاپوشانی کرد. همگان می دانند که رژیم ولایت فقیه انباشته از فساد و تبهکاری است. در ایران کنونی اعتیاد و فحشاد بیداد می کند و بالاترین مقامات حکومتی آلوده به انواع دزدی و فساد هستند. خامنه ای تردید در مورد «مواجهه و مقابله» با نافرمانی مدنی زنان را رد می کند و پای احکام «شارع مقدس» را به میان می کشد.

در ماده ۱۰۲ قانون ارتجاعی تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲، آمده است: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به تعزیر تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهند.»

ولی فقیه که شاهد ابعاد گسترش یابنده نافرمانی در مورد حجاب اجباری است، تازیانه و چماق را به رخ جامعه می کشد تا هیچ کس فراموش نکند که در ایران استبداد مذهبی با خصلت فاشیستی حاکم است. به این واقعیت، جامعه و به خصوص زنان آگاه هستند. خامنه ای احکام شرع، چماقدار، تیر و تفنگ، زندان، شکنجه و اعدام دارد و زنان آزاده ایران نیروی مقاومت برای زندگی در آزادی و بدون حجاب اجباری. محمد باقر الفت، معاون اجتماعی قوه قضایی تحت امر خامنه ای اعتراف می کند که «اکنون از بدحجابی در حال رفتن به سمت بی حجابی هستیم» (روزنامه حکومتی آرمان، ۲ تیر ۱۳۹۵)



زیر پا گذاستن و ذهن کجی کردن به «احکام شارع مقدس»، ولی فقیه را کلافه کرده و هیچ روشی نمی تواند مبارزه زنان علیه حجاب اجباری را مهار کند. نمودهایی از انباشت تنفر به رژیم و به ویژه به خامنه ای، مثل سیخ در چشم ولی فقیه فرو می رود. به تکرار باید گفت که از حکم ارتجاعی حجاب اجباری با هیچ ترفندی نمی توان پاسداری کرد. زنان ایران در عمل به این پدیده شوم با پرداخت هزینه های گزاف ضربات جدی وارد کرده و خامنه ای با توهین «بی عفتی» نمی تواند مانع پیکار زنان ایران برای آزادی شود.

بار دیگر مقام معظم چهره فاشیستی خود را عیان کرد و زنان را زیر تازیانه شرع گرفت.

فاشیسم هیتلری ابتدا یهودیان را مجبور به داشتن علامت مخصوص کرد، سپس آنان را مورد آزار و اذیت قرار داد و به جدا سازی اقدام کرد و بالاخره آنان را دستگیر و روانه اردوگاههای کشتار و کوره های آدم سوزی کرد. خمینی هم در دهه ۶۰ با کشتارهای وحشیانه و با قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ که اکنون در سالگرد آن هستیم، همین راه و روش فاشیستی را در پیش گرفت. اکنون خامنه ای با خط و نشان کشیدن برای زنان گنه افکار و کردار فاشیستی خود را به نمایش گذاشته است.

روز ۲۰ اردیبهشت امسال خلیفه تهران در جمع تعدادی از ارادل و اوباش که با اتیکت تقلبی «شورای جبهه ملی مردمی» علامت گذاری شده و با صفت «عفاف و حجاب» رفتار پلیدشان پوشانده شده بود، دستورات جاپرانه خود را صادر کرد. حرفهای او در آن موقع بازتاب رسانه ای نداشت.

دو ماه بعد در دومین اجلاس فعالان [بخوانید قداره بندان] مردمی [بخوانید ارادل و اوباش] عرصه عفاف و حجاب که در روزهای چهارشنبه ۳۰ و پنجشنبه ۳۱ تیر امسال در مشهد برگزار شد، آخوند دعایی دستورات مقام معظم را به اطلاع تعدادی از اعضای باندهای سیاہ ولایت با عنوان «فعال فرهنگی» رساند.

به گزارش رجانیوز، فرازهایی از سخنان خامنه ای چنین است:

«بحثهای انحرافی همانند این که حجاب الزامی، اجباری یا اختیاری است، وجود دارد. این حرفها به نظر

من در جمهوری اسلامی جا ندارد..... اگر چنانچه معلوم شد چیزی از نظر شرع حرام است، حکومت اسلامی موظف است که در مقابل این حرام بایستد.... می بینید انگیزه هایی را که برای ترویج بی عفتی -نه بی حجابی- در جامعه وجود دارد و دارند تزریق می کنند. این ابزارهای جدید مانند فضای مجازی و غیره به این فضا کمک می کنند..... نمی شود گفت ما عرضه مشروبات الکلی را آزاد کنیم و بگوییم مردم نخورید! شارع مقدس برای این موضوع شلاق قرار داده، یعنی این جوری نیست که فقط به تکنید گفتن اکتفا کند.

فیشهای حقوقی؛ شرط حیاتی تداوم سلطه حکومت

بقیه از صفحه ۱

رووسای آقای امین برای بیرون بردن خود از زیر فشار باند رقیب، وی را از پُست نان و آب دارش محروم ساختند. آنچه که او در نامه استعفایش با لحنی طلبکارانه نوشت، روانشناسی بوروکراسی انگل و تا مغز استخوان شارلاتان جمهوری اسلامی را نیز توضیح می دهد. او بر کسانی که جیب شان را خالی می کرد منت گذاشت: «اینجانب از امتیازات مادی بخش غیر دولتی که حداقل دو برابر بیمه مرکزی بود چشم پوشیدم و تنها بدین خیال که تسلط کارشناسی، توان مدیریتی و اراده شخصی لازم برای اصلاح امور صنعت بیمه را دارم، این مسوولیت خطیر را پذیرفتم.»

این اما هنوز به معنای آن نبود که دولت آقای روحانی می توانست نفس عمیق بکشد و به دستور کار عادی اش بازگردد. موج دُوم کنار زدن پرده خلوتگاه مدیران ارشد دولت یک ماه بعد به راه افتاد و این بار کمی بیشتر به مرکز نزدیک شد. مدیر عامل بانک رفاه کارگران، نخستین هدف یورش تازه بود. اسناد نشان می داد که آقای علی صدقی، شریک صرافی برادر رئیس دولت و «دستیار ویژه» وی، در مهرماه ۱۳۹۴، ۱۵۱ میلیون تومان و در اسفند ماه همین سال، ۲۳۴ میلیون تومان حقوق و مزایا به کیسه خود ریخته است. پس از وی مدیران بانکهای دولتی، با داغ فیش حقوقی افشا شده بر پیشانی، به گونه اجباری نقش آفرین صحنه ای شدند که باند رقیب برای آنها آراسته بود. آنها عبارت بودند از:

- مدیرعامل بانک صادرات، آقای اسماعیل الله گانی، با دریافتی ماهانه ۶۰ میلیون تومانی
- مدیرعامل بانک ملت، آقای علی رستگار سُرخه، با پاداش یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومانی
- مدیرعامل بانک تجارت، آقای مُقدم نودهی، با حقوق ۳۰ میلیونی و وام کلان،
- مدیرعامل بانک کشاورزی، آقای مرتضی شهیدزاده، با حق الزحمه ۵۰ میلیون تومانی و دریافت وام کلان

"خودی"ها همه شریکند

پسلسه جیب بُرهای حکومتی که قُربانی جدال باندهای قدرت شده اند در همین جا قطع نمی شود و افراد یاد شده فقط مُتخجی از اسامی افشا شده را تشکیل می دهند که از همه طیفهای حکومتی، از "اصلاح طلب" تا "اعتدالی" و "اصولگرا" را در میان آنان می تواند یافت. بدینگونه است که فساد نظامند، آقای صدفرد حسینی اصلاح طلب و آقای مهرداد بذریاش اصولگرا را برادر وار کنار یکدیگر می نشاند تا اولی از ۶۸۰ میلیون تومان سهم سالانه و دومی از ۶۰۰ میلیون تومان پاداش لذت ببرند.

اگرچه رقمهایی که در اسناد منتشر شده دیده می شود، از حیث میزان وقاحت و گشاده دستی تبهکارانه "نظام" در حق مدیران و پاپوران اش گاه باورنکردنی به چشم می آید، با این حال این تمام حجم پولی که آنها به کیسه شان می ریزند نیست، چه، بنا به اسناد منتشر شده و همچنین اطلاعات منابع رسمی و غیر رسمی، مبالغی که در فیشهای حقوقی دیده می شود، فقط بخشی از پولهای دریافتی است و بیشتر این افراد وجوه دیگری خارج از فیش حقوقی دریافت می کنند که میزان آن گاه از سه برابر حقوق و مزایای رسمی فراتر می رود.

عُنوانها و یا به بیان دقیق تر، بهانه هایی که زیر پوشش آن این مبالغ پرداخت می شود، بسیار خواندنی است و خود به تنهایی نشان می دهد که چگونه صاحب منصبان نظام ولایت فقیه در سایه حریم امنی

که استبداد خشن برایشان فراهم آورده، جامعه را غارت کنان به ریشخند می گیرند. بخشی از اختراعات اینان برای جارو زدن خزانه همگانی از این قرار است: بهره وری ماهانه، کمک هزینه تحصیل، سالگرد بانک، کمک هزینه خرید کتاب، هفته ولایت، کمک هزینه ورزش، تفاوت ماموریت، کمک هزینه سفر، انتقالی کشیک، هدیه روز پدر، کمک هزینه اوقات فراغت فرزندان، هدیه روز زن، پاداش هفته مدیران و جُز آن. با توجه به اشتیاق آقای خامنه ای و باندش به تضعیف دولت آقای روحانی و در کنج رنگ ننگ داشتن آن از یکسو و تهدید جناح میانه حکومت به افشگری مُقابل از سوی دیگر، انتظار می رود که دامنه رُسوایی چپاول حقوقی در این نقطه متوقف نشود و بر تنوع جناحی صاحبان فیشها هر چه بیشتر افزوده گردد.

رهبر باند حاکم پس از یک دوره زیر فشار قرار داشتن به دلیل غارتهای تاریخی گُماشگان نظامی - امنیتی اش، اینک در حالی که به سختی می تواند شادمانی کوتاه بینانه خود را از به دست آوردن این سوپاپ پنهان کند، خواهان "کش دادن" رُسوایی با توجیه پیگیری موضوع و رساندن نتیجه به اطلاع مردم" است. آخرین بار او در ۱۶ تیر بار دیگر زخم باند رقیب را تازه کرد و خواستار "بازگرداندن درآمدهای نامشروع" و "مجازات سوواستفاده کنندگان" شد.

در مُقابل جناح میانه حکومت نیز کوشش می کند ورق را برگرداند و ضمن هُشدار به آن در باره فرجام این بازی، به نوبه خود، رخت چرکهای رُقا را در تماشاگاه همگانی اویزان کند. حُجت الاسلام روحانی در این راستا به گونه غیرمستقیم در واکنش به شور و نشاط آقای خامنه ای تاکید کرد: "اگر آقایانی هستند که می خواهند مساله فیشها را ادامه دهند تا ذُرذیهایی قبلی فراموش شود، [اما] مردم فراموش نمی کنند. دولت تخلفات سالهای گذشته و مُبارزه با فساد به عنوان اصل اساسی را از یاد نخواهد برد."

جناح میانه حکومت همچنین روشن می کند که تاراج خزانه همگانی تَخصُص ویژه آن نیست و همه دسته بندیها و باندهای حکومتی در آن شریکند و گر حُکم شود که ذُرد گیرند، رُقا نیز مُستثنی نخواهند بود. آقای روحانی هُشدار داده است: "صریح به مردم خواهیم گفت که این تخلفها همه جا بوده است."

در همین چارچوب، خانم معصومه ابتکار، یک پایور دیگر دولتی، نیز تهدید کرد: "اگر این موضوع تبدیل به جریان سیاسی شود، حقوقهای دولت قبل و برخی از ارگانهای دیگر هم در می آید."

همزمان، یک پایور ارشد دولتی، حُجت الاسلام مجید انصاری، یادآور شد: "دولت فیشهای حقوقی سایر قوا را منتشر نکرده است، بنابراین سایر قوا هم باید به کمک دولت بیایند."

سیستم یا غده

مُضحک آن است که در همان هنگام که دو طرف گود با تمام نیروی رسانه ای و تبلیغاتی خود چادرهای سرپرده "نظام" را بالا زده اند و اشتغال فراجناحی ساکنانش به "غارت بین المال" را به جامعه نشان می دهند، از سوی دیگر سوگند می خورند که فساد حکومتی یک پدیده جُزیی است و "اکثریت مدیران نظام پاکدست هستند". تنها سند اثبات این ادعا، یک ماده حقوقی در "قانون خدمات کشوری" است که در آن گفته می شود حقوق کارکنان دولت نباید بیش از هفت برابر حقوق کارمند عادی باشد. اما آنها که در بوستان فساد ولایت فقیه قانون می نویسند و تصویب می کنند، از یاد نمی برند که در کنار هر بند ظاهر صلاح، یک کلاه شرعی هم برای خنثی کردن آن تدارک ببینند و برای مثال در جای دیگری (قانون برنامه پنجم)، ردیفی به نام "فوق العاده های خاص" اختراع کنند که جزو حقوق اسمی به حساب نیامده و به راحتی قانون قبلی را دور می زند. فوق العاده "هفته

ولایت" و "کمک هزینه ورزش" ریشه در این متد دارد.

ریشخندآمیز تر توجیه دولت است که پرداخت حقوقهای گزاف را مُشکلی بازمانده از دولت قبل معرفی می کند و قول اصلاح می دهد. حُجت الاسلام روحانی در حالی خود و دولتش را بی خبر از همه جا معرفی می کند که از سه سال پیش تاکنون در کمال خوش حساسی حق و حساب کلان مدیرانش را واریز کرده است. این در همان دوره زمانی اتفاق افتاده که وی و دستیارانش به گونه ملال آوری هر روز به شکلی از نداشتن بودجه برای پرداخت یارانه، پرداخت حقوق کارمندان و بازنشستگان، افزایش دستمزد و حقوق کارورزان دولت و بخش خصوصی شکایت می کردند.

بنابراین واقعیت فقط این می تواند باشد که آقای روحانی همچون آقای خامنه ای بهره ببری گزاف زیردستان خود از مواهب "نظام" را عادی انگاشته و چنین پرداختهایی یک رویه معمول است. آنها فقط هنگامی به این موضوع پرداخته اند که یکی برای باجگیری و تخلیه فشار بر خود و دیگری برای دفاع و حفاظت از خویش آن را اجتناب ناپذیر دیده اند.

برآمد

افشای درآمد و فیشهای حقوقی شماری از مدیران دولتی، جامعه را برای نخستین بار به گونه مُستند با بخشی از سودبرندگان قدرت سیاسی نه همچون افراد جُداگانه، بلکه به مثابه یک قشر اجتماعی آشنا ساخته است. این قشر اجتماعی نه فقط با فیشهای حقوقی، بلکه به صورت نهادینه از جامعه مُجزا می شود و سبک زندگی و شیوه رفتاری ویژه خود را پیدا می کند. اینک برای جامعه دریافت هویت و منشا اجتماعی پورشه سوارها، ویلا نشینها، بچه پولدارها، کسانی که ویژه آنها مراکز خرید و تفریح لوکس و رستورانهای و خدمات اعیانی شکل گرفته است، دُشوار نیست، چهره گنگ کسانی که در وِخیم ترین شرایط زیست و کار جامعه، زمانی که مردم عادی در دوره های ریاضت کشی و فقر و گرسنگی قُربانی می شوند، با انبانی از موهبتهای رویایی از برابر چشمان آنها رژه می روند، خطوط شناسایی یافته است.

آنها اجزای بوروکراسی انگلی را تشکیل می دهند که در صورت بندی و آرایش اجتماعی جامعه، نقش ابزار اعمال حاکمیت از بالا را ایفا می کند. این قشر، موقعیت مُمتاز خویش در هیبراشی توزیع ثروت را مدیون وابستگی و چاکری قدرت سیاسی است، بدون آنکه صلاحیت، دانش و فرهنگ تصدی پُستهای حساسی که در اختیارش گذاشته شده را داشته باشد. شاهد این امر بانکها، بیمه ها و صنایع ورشکسته یا مقروض و زیرساختهای فاجعه باری است که سالانه زندگی ده ها هزار نفر را می گیرد و آینده چند برابر آنها را تباه می کند.

درهم آمیختگی موقعیت اقتصادی و سیاسی و اُستوار شدن جایگاه اقتصادی بر موقعیت سیاسی، یک ویژگی سیستمهای استبدادی با آرایش سیاسی و اجتماعی کهن قرون وسطا است. ماشین دولتی در نظمی استبدادی همچون رژیم ولایت فقیه از آنجا که زیر کنترل از پایین قرار ندارد، گشاینده میدانهای گوناگون برای تاخت و تاز و چپاول جامعه است و فساد و سوواستفاده را به عنوان شرط حیاتی تداوم سلطه حکومت ترویج می کند.

آنچه که ذاتی سیستم است، تنها با غلبه بر سیستم می تواند درمان شود. نفرتی که پلشتی حقوقی "نظام" و دست پرورده هایش در اکثریت جامعه برانگیخته، پروسه درک این ضرورت و حرکت در مسیر آن را کوتاه تر کرده است.

مافیای قدرت و ثروت به دنبال نیروی کار ارزان در مناطق آزاد

زینت میرهاشمی

حکم ظالمانه شلاق و زندان برای کارگران بافق باید لغو شود

زینت میرهاشمی



علیرغم اعتراضهای گسترده، صدور حکم شلاق و زندان برای ۹ نفر از کارگران شرکت معدن سنگ آهن بافق هنوز باطل نشده و پرونده کارگران این معدن همچنان باز نگهداشته شده است.

بیدادگاه یزد در ۲۹ خرداد برای ۹ کارگر شرکت معدن سنگ آهن بافق، حبس و شلاق تعلیقی صادر کرد. بازنگهداشتن پرونده حبس و شلاق مانعی برای شرکت احتمالی این کارگران در هر گونه حرکت اعتراضی کارگری است. یعنی در صورت تکرار اعتراض، این حکم اجرا خواهد شد.

جرم کارگران شرکت معدن اعتراض به وضعیت کاری، نحوه خصوصی سازی این معدن و بیکار شدن احتمالی آنها است.

زندانی کردن کارگران شهرداری اهواز به مدت ۵ روز و بازگذاشتن پرونده شکایت شهرداری علیه آنها، فشار بر این کارگران است تا در هر گونه حرکت اعتراض دیگر شرکت نکنند. کارگران شهرداری اهواز در تاریخ ۲۴ خرداد ماه در برابر ساختمان شهرداری اهواز تجمع کرده و خواهان برخورداری از دستمزد تعیین شده توسط شورای عالی کار در این قسمت شدند.

امنیتی کردن حرکتیهای اعتراضی - صنفی کارگران، حکمهای شلاق و حبس و ... شیوه ای غیر انسانی و ضد کارگری دیکتاتوری ولی فقیه در مورد نیروی کار است.

ربعی وزیر کار رژیم، که در برابر موج اعتراض به شلاق خوردن ۱۷ نفر از کارگران معدن طلالی آق دره تکاپ، اظهار بی اطلاعی کرده و دو مدیر را از کار برکنار کرده آیا باز هم بی شرمانه ادعای بی خبری خواهد کرد.

فراسوی خبر چهارشنبه ۱۶ تیر

اقتصادی ویژه و تجارت آزاد تبدیل خواهند شد. مردم بومی در مناطق ویژه اقتصادی و تجاری که تا کنون فعال بوده، در ردیف محروم ترین مردم ایران هستند که حتا از حقوقهای اولیه زیست محیطی انسانی مانند برخورداری از آب شرب محروم هستند. میزان بیکاری مردم بومی در این مناطق بسیار بالا است.

حاشیه نشینی در کنار شهرهای بزرگ یکی از آسیبهای این گونه مناطق است. رژیم به جای تولید اشتغال برای مردم بومی این مناطق آنها را ناگزیر به مهاجرت از محل زیست خود و افتادن در دام فقر و بی خانمانی می کند.

بر اساس گفته رحمان فضلی، وزیر کشور دولت روحانی در خرداد ماه سال جاری، ۱۱ میلیون حاشیه نشین در کشور وجود دارد. از این ۱۱ میلیون، ۳ میلیون در حاشیه تهران، مشهد و اهواز زندگی می کنند. وی همچنین



گفت «در کشور مناطقی داریم که در آن افراد بیش از ۶۰ درصد بیکار هستند.»

مناطق آزاد تجاری - صنعتی، قوانین و مقررات خود را دارد. به عنوان مثال در ماده ۱۲ اساسنامه این مناطق آمده است: «اشخاص حقیقی و حقوقی که در منطقه به انواع فعالیتها اقتصادی اشتغال دارند، نسبت به هر نوع فعالیت اقتصادی در منطقه آزاد از تاریخ بهره برداری مندرج در مجوز به مدت ۱۵ سال از پرداخت مالیات بر درآمد و دارایی موضوع قانون مالیاتهای مستقیم معاف خواهند بود.» روشن است که چه بهشت فرار از مالیات برای سرمایه داران چپاولگران ایجاد می شود، به ویژه این که بعد از ۱۵ سال هم راههای فراوان برای فرار از مالیات وجود دارد.

ایجاد منطقه آزاد تجاری که به دوران بعد از پایان جنگ جهانی دوم برمی گردد، برای توسعه، فعال کردن تولید داخلی، ایجاد اشتغال و صادرات از طرف سازمان توسعه صنعتی ملل متحد به کشورهای عضو توصیه شده است. تا آنجا که به ایران مربوط می شود، بنا بر همه داده های آماری، دستاوردهای تکنونی این مناطق نه ایجاد اشتغال و بهبود معیشت نیروی کار و فعال کردن تولیدات داخلی و در نتیجه افزایش صادرات، بلکه اقتصاد شبه دولتی، رانت خواری و افزایش واردات بی رویه به ویژه کالاهای لوکس بوده است.

سلطه شرکتیهای پیمانکاری، رشد اقتصاد شبه دولتی، رانت خواری، افزایش واردات و تنومند کردن مافیای واردات همراه با تضعیف هر چه بیشتر صنایع داخلی و غیرفعال شدن واحدهای تولیدی در خارج از مناطق آزاد، خارج کردن کارگران زیادی از شمول قانون کار، بستن قراردادهای کوتاه مدت و پیمانی، ناامن کردن کار و کمزنگ کردن قانون کار تا تغییر آن و... از جمله زینتهایی است که ایجاد این مناطق بر جامعه و اقتصاد و به ویژه بر کارگران وارد می کند.

شعراهای دولت کلیددار برای ایجاد «فضای کسب و کار»، جذب سرمایه های خارجی، برداشتن تحریمها و فرجام دوره پسا برجام، در لایحه افزایش مناطق آزاد تجاری متبلور شد. گام دولت روحانی در این زمینه ادامه جراحی اقتصادی و تعرض به زندگی و معیشت نیروی کار است. برای این قوانین کار به نفع مافیای قدرت و ثروت، به سود سرمایه داران نئولیبرال و رانتی در حال تغییر است.

این روند که از دوران رفسنجانی آغاز و با حذف یارانه ها توسط احمدی نژاد شکل کامل پیدا کرد، با افزایش مناطق «آزاد تجاری و ویژه اقتصادی» توسط روحانی، فروپاشی زندگی نیروهای کار را سرعت بخشید. این همان نظمی است که خلیفه ارتجاع با اقتصاد مقاومتی به آن افتخار می کند.

لایحه دولت روحانی مبنی بر گسترش مناطق آزاد تجاری و ویژه اقتصادی در روزهای پایانی خرداد امسال با قید یک فوریت به مجلس ارائه و در تاریخ ۲۶ تیر در مجلس رژیم به تصویب رسید. این لایحه یک بار در بهمن ۹۴ به مجلس قبلی ارائه ولی تصویب نشده بود. بر اساس این لایحه ۷ منطقه آزاد تجاری و ۱۲ منطقه ویژه اقتصادی به مناطق ویژه اقتصادی و تجاری فعال کنونی اضافه خواهند شد. در حال حاضر ارس، ماکو، انزلی، قشم، کیش، چابهار و اروند جزو مناطق تجاری آزاد هستند که نیروهای کار در این مناطق زیر پوشش قوانین کار نیستند. بر اساس مصوبه مجلس، مناطق دیگری مانند بوشهر، جاسک، اینچه برون، اردبیل، بانه، مریوان، مهران و زابل به مناطق آزاد تجاری موجود اضافه خواهند شد. علاوه بر این، ۱۲ منطقه ویژه اقتصادی هم ایجاد خواهد شد. لازم به یادآوری است که در این مناطق در عمل مقررات سرکوبگرانه حکومت دینی در مواردی مثل پوشش و نوشن برای امنیت سرمایه و تجارت کمزنگ است. برخی از سرمایه گذاران، تجار و دلالتان اقتصادی از تبدیل این مناطق به بهشت توریستی یاد می کنند. قانون کار رژیم شامل کارگران و مزدبگیران در این مناطق نمی شود و شرکتیهای پیمانکاری حاکمان بر نیروی کار خواهند بود.

ناصر آغاچری، یک فعال کارگری عقیده دارد همسویی دولت و مجلس در گسترش مناطق آزاد و ویژه اقتصادی به قیمت نابودی تمامی مقررات مربوط به حمایتیهای اجتماعی از نیروی کار تمام خواهد شد. او گفت: «از آنجا که این اقدام به معنی سوراخ کردن چتر حمایتیهای اجتماعی از نیروی کار است، بنابراین جا دارد که تمامی کنشگران کارگری با واکنش به موقع خود جلوی این اتفاق را بگیرند». وی اضافه کرد: «مدافعان توسعه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در دولت و مجلس حداقل قطعاً در میان آشنایان خود افراد معتمدی را سراغ دارند که از ناراضیاتی کارگران شاغل در مناطق باخبر باشند و بدانند که اینجا همه کارگران از بومی و غیربومی گرفته تا پیمانکاری و قراردادی از شرایط شغلی خود چقدر ناراضی هستند.» (ایلتا، چهارشنبه ۳۰ تیر)

بر اساس خبرهای منتشر شده، مناطقی مانند شاهین شهر در اصفهان، تاکستان در قزوین، خرم آباد، خواف - قوچان در خراسان رضوی، فسا در فارس، ابرکوه - میبد در یزد، زنجان، گچساران در کهگیلویه و بویر احمد، سرو - ارومیه در آذربایجان غربی به مناطق

ما اسباب بازی شما نیستیم

طیف لیبرال چپ به سختی با مسلمانان منتقد کنار می آید. این طیف خود را مدافع مسلمانان محافظه کار معرفی می کند و به این وسیله قربانی سیاستش می شود.

احمد منصور (۱) منبع: تاتس --- برگردان: بابک

بیشتر چپها و محافل سبز. این شگفت آور است و باید به آن اندیشید. از جانب هر دو اردوگاه از به زبان آوردن و برخورد با مشکلات حاد جامعه اسلامی خودداری می شود.

برخی از این مشکلات از این قرارند: رشد خطرناک بنیادگرایی که هر روز جوانان بیشتری را جذب حکومت ترور داعش می کند، به حاشیه راندن زنان زیر عنوان انسان درجه دو، تربیت کودکان به وسیله هراس افکنی، سکس ستیزی که خود همزمان در درجه بالا سکس زده و تابو زده است، یک ایمان کتابی که قرآن را در چارچوب تاریخی و محلی خود درک نمی کند، بلکه به آن به عنوان متنی دیکته شده از جانب الله می نگرد.

تا هنگامی که انجمنهای اسلامی و به همین گونه چپها و سبزهها، منکر آن می شوند که یک درک پدرسالارانه سنتی از اسلام، به مسلمانان بنیادگرا خدمت می کند، "ا اف د" (۲) (Afd - آلترا ناتیو برای آلمان) و "پگیدا" (۳) (Pegida) در این زمینه حرف اصلی را می زنند. راست جدید نامگذاری مشکل را به تیول خود درمی آورد و این کار را در واقع هم می کند: پرخاشگرانه و نژادپرستانه به جای روشنگر به لحاظ سیاسی، شفاف از نظر اجتماعی و تحلیلی در برخورد به دین.

رد همبستگی از جانب آ اف د

سیاست هوشمند و پیشگیرانه باید خواهان بحث در جامعه باشد و آن را دامن بزند. درک سنتی از اسلام تابوهای جنسی و خشونت جنسی را ترویج می کند. این امر تاثیر عظیمی بر رفتار جنسیتها با یکدیگر دارد. آنچه که در شب سال نو در کلن (Köln) رخ داد، الگوهایش را از میدان تحریر و نقاط دیگر می گیرد. جوانانی که از جانب "سنتهای مذهبی" به پرهیزکاری جنسی وادار شده اند، در محیطهای عمومی به زنان حمله ور می شوند. این نژادپرستی نیست، بلکه واقعیت است. ما مسلمانان یک مشکل داریم، منتقدان مسلمان این مشکل را به زبان می آورند و به همبستگی دموکراتها نیاز دارند. ما این را از آ اف د و پگیدا نمی خواهیم، چون آنچه آنها می دهند، همبستگی نیست. یک بحث باز و بدون تابو به حل مشکل، به اندیشیدن و پیشگیری بهتر یاری می رساند و موجب تضعیف راست افراطی و اسلامگراها می شود. برای این کار باید برای همه روشن شود که مسلمانها نمی خواهند در نقش قربانی به خدمت گرفته شوند، بلکه می خواهند به آنها به عنوان شهروندانی با حقوق و وظایف برابر نگریسته شود.

شمار ما مسلمانان منتقد زیاد است. بیشتر از آنچه که شما فکر می کنید. من در آوریل ۲۰۱۵ "فوروم اسلامی آلمان" را در برلین به همراه یارانی دیگر بنیان گذاشتم، ما برای اسلام انسانی، برای بحث در درون جامعه مسلمانان مبارزه می کنیم. ما روزنامه نگار، محقق اسلامی، جامعه شناس، روانشناس و دانشجو هستیم. و ما بخشی از این جامعه هستیم. شهادت گوش فرا دادن به ما را داشته باشید، با ما به گفتگو بنشینید.

پانویسها

(۱) احمد منصور در سال ۱۹۷۶ به دنیا آمد. او یک روانشناس و نویسنده عرب - اسرائیلی است. او مدیر برنامه "بنیاد اروپایی دموکراسی" و سخنگوی "فوروم اسلامی آلمان" است. در انتهای سال گذشته کتاب احمد منصور به نام "نسل الله، چرا باید در نبرد با افراط گری مذهبی باز اندیشی کنیم" منتشر شد.

(۲) یک حزب تازه تاسیس در آلمان یا جهتگیری ضد خارجی، نژاد پرستی و اسلام ستیزی

(۳) انجمن سازمان دهنده تظاهرات نژادپرستانه و ضد خارجی در شرق آلمان

هنوز سرچایش است؟ یا اینکه فکر می کنید ما اسباب بازی شما هستیم.

نقد انسانگراییانه جامعه و روشنگری، سنتی جا افتاده در محدوده کشورهای آلمانی زبان دارد. روشنگری همیشه - مطلقا همیشه - با نقد قدرت سروکار دارد و قدرت نیز تقریبا همیشه با قدرتمندان و به عبارتی با مردان با پدرسالاران مرتبط است. دینهای تک خدایی دنیا، یک پروردگار پدرسالار و مجازاتگر را ستایش می کنند؛ یک فاکتور قدرت نیرومند در خدمت یک جهانبینی هیرواسمیک و ضد دموکراتیک.



"افیون توده"

مارکس دین را "افیون توده" نامید. هگل، کانت و وبر منتقد مذهب بودند. فروید سرچشمه اختراع مذهب را رابطه سختگیرانه پدر - فرزندی و همچنین نیاز قییم خواهانه به واگذاشتن مسوولیت به فرد مقتدر و سپردن کودکان خود به وی تحلیل می کرد. انقلاب فرانسه مذهب را به عنوان ابزار قدرت و سرکوب نقد می کرد. در خیزش دانشجویی ۱۹۶۸ هم به نقد روحانیون، جایگاه زنان در کلیسا، ممنوعیتهای مذهبی اندیشه، مساله تئوریه یا روشهای بیرحمانه در مراکز دولتی و کلیسای نگهداری کودکان و نوجوانان پرداخته شد. در دوره کنونی هم جامعه دموکراتیک به سختی از سوءاستفاده جنسی انبوه از کودکان در نهادهای کاتولیک و دیگر مراکز که از سال ۲۰۱۰ فاش گردید، برآشت. نقد مذهبها و غیرمذهبها از دین به عنوان ابزار قدرت، یک محور کلاسیک چپ است. این نقد، در بنیاد آن جایگاهی مرکزی دارد. از این نظر بسیار عجیب به نظر می رسد که سبزهها، چپها و حتی سوسیال دموکراتها، مسلمانان منتقد به دین خود را به دیده سووظن بنگرند. چرا نقد ما به همین گونه محق نیست؟

بلوک چپ - سبز در شکل متفاوت همان کاری را می کند که سلفیستها، وهابیهها و بقیه اسلامگراهای بنیادگرایی که ما به آنها انتقاد می کنیم. آنها می خواهند دهان مسلمانان منتقد را ببندند. بنیادگراها از مسلمانها زیر نام یک خدای پدرسالار خلع ید می کنند و اینها چون فکر می کنند نقد یک دین موجب رنجش ما می شود و ما مسلمانها بضاعت انتقادی اندیشیدن و کنده شدن از سنت فسیل شده را نداریم. اما چرا نباید آنچه به واسطه نقد و رفرم از درون و بیرون ادیان دیگر، کاتولیسم، پروتستانتیسم، یهود، ممکن گردیده، در باره اسلام ممکن باشد؟ و چرا ما در این هدف با همبستگی نیروهای مترقی روبرو نمی شویم؟

مشکلات حاد

در آلمان از دو سو از بحث و گفتگوی مسلمانان منتقد جلوگیری می شود: نخست انجمنهای اسلامی و سپس

خانمی که به تازگی برابم نامه نوشت، می خواست ناشناس بماند. او در یکی از مراکز اداره جوانان آلمان کار می کند و درمانده بود. می گفت در اداره اش پرونده هایی از خانواده های مهاجر وجود دارد که اعمال خشونت برایشان "تربیت سنتی" به حساب می آید. دختران و پسران خردسال آنها لکه های کبود بر بدن دارند، با تهدید وادار به سکوت و اطاعت می شوند. اما کارمندان اداره باید با "حساسیت فرهنگی" با والدین و فرزندان آنها برخورد کنند و حتی زمانی که از نظر قانونی ضروری است، مداخله نکنند. به طور خلاصه او در نامه اش نوشت: "این درست نیست، نه؟" گویی او از من برای چیزی تایید می خواست که انسانی و از نظر قانونی به خوبی روشن است، یعنی: البته که باید مداخله کرد، گذشته از آنکه فرد از کجا می آید.

آنچه که این کارمند نوشت، موضوعی غیرعادی نیست. صدها نامه از این نوع را فقط من دریافت می کنم. آموزگاران و مددکاران اجتماعی شرح می دهند که در بن بست به سر می برند. آیا باید ملاحظه سنت را بکنند؟ به پدران اقتدارگرا احترام بگذارند؟ ناموس دختران و خانواده های آنان را که نمی خواهند در کلاس شنا شرکت کنند، در نظر بگیرند؟

مسلمانان و افراد با پس زمینه مهاجرت نزد چپها و نیروهای مترقی در آلمان از سمپاتی و همبستگی ویژه ای برخوردارند. آنها می خواهد به این وسیله علامتی علیه نژادپرستی و پیش داوری ارسال کنند. من خودم عرب هستم، از اسرائیل می آیم و از سال ۲۰۰۴ در آلمان زندگی می کنم. در سالهای اولیه حضورم در اینجا با انسانهای مهربان بسیاری از طیف لیبرال چپ برخورد داشته ام. اما از هنگامی که از مضمونهای دینی که با آنها بزرگ شده ام انتقاد می کنم، آنها دیگر چندان با من مهربان نیستند. البته واکنش آنها قابل مقایسه با برخورد مخالفان "خودی" که از آنها پیام نفرت می گیرم نیست. اما برخی به عربی همچون من دیگر علاقه ای ندارند.

نامتوازن با قالبها

من با این قالب فکری که انتظار دارد به طور انحصاری از پیش داوریهای نژادپرستانه شکوه کنم - کاری که البته می کنم - جور در نمی آیم، چون دموکراسی که در آن زندگی می کنم را تحسین می کنم و آشکارا و روشن زبان به انتقاد از تنگناهای فرقه ای جمعیت مسلمان اینجا می گشایم. من از کنفدراسیونهای مسلمانان مانند "دیتیب" (Ditib) - بنیاد ترکی - اسلامی مذهب) یا "شورای مرکزی مسلمانان" که مدعی هستند از طرف دین من و همه مسلمانان در آلمان حرف می زنند (چیزی که از نظر آماری درست نیست) انتقاد می کنم.

من مدافع اصلاحات درونی دین و جامعه هستم و به طور آشکار از امور نادرستی که در خانواده، مدرسه، جامعه، برخورد با بنیادگرایی مذهبی و اسلام افراطی در جریان است، حرف می زنم.

شبکه ای متشکل از لیبرالهای چپ و سبزهها، از اکثریت مسلمانان در آلمان در برابر اقلیت مسلمانان منتقد "محافظت" می کند. از خودم می پرسم چه چیزی در این رویکرد چپ و مترقی است؟ آیا عقلمان

مقدمه بر مقاله «یک سال مبارزه چریکی در شهر و کوه» نوشته رفیق کبیر حمید اشرف

ویرایش دوم

مهدی سامع

چریکهای فدایی خلق ایران منتشر شد. هر دوی این نوشته ها و البته دهها نوشته دیگر که از جانب چریکهای فدایی خلق طی سالهای ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۷ منتشر شده برای شناخت جنبش پیشتاز فدایی که بدون شک نقش تعیین کننده در قطب بندی و تحولات سیاسی آن سالها داشته ضروری است.

از قول چرچیل نقل شده که گفته است، تا حقیقت بچند دروغ سراسر جهان را فرا می گیرد. (نقل به مضمون) در مورد حقایق مربوط به چریکهای فدایی خلق تا سال ۱۳۵۷، به علت دشمنی بی حد و مرز

حضور داشتند و آن بحثها را به خاطر دارند، روایت خود از بحثهای رفیق مسعود را بیان کنند.

حمید اشرف بنا به دلایل امنیتی و یا بعضی ملاحظات دیگر که بر من روشن نیست از آوردن نام بسیاری از افراد خودداری کرده است. شاید علت این امر آن بوده که رفیق حمید به علت نقشی که در حیات سازمان چریکهای فدایی خلق داشته، نمی خواسته نام خود را به تکرار مطرح کند و بنابراین از نوشتن بعضی اسامی خودداری کرده است. در این مقاله بعضی اشتباهات وجود دارد که با توجه به دقت این رفیق علت آن بر من روشن نیست. به طور مثال تاریخ اعدام ۱۳ رزمنده فدایی که در روز ۲۶ اسفند سال ۱۳۴۹ (سند شماره یک) بوده و در روزنامه های آن منتشر شد را ۲۷ اسفند ذکر کرده است. بسیار بعید است که حمید اشرف به این مساله توجه نکرده باشد. به نظر می رسد این اشتباه تاپی در چاپ اول وجود داشته و بعد از آن هم تکرار شده است.

در بهمن ۱۳۸۹، در آستانه چهلمین سالگرد حماسه سیاهکل سایت نبرد این نوشته مهم را با مقدمه و توضیحات من برای آگاهی رسانی به کسانی که خواستار دانستن رویدادهای آن زمان هستند منتشر کرد. اکنون، در چهل و پنجمین سالگرد رستاخیز سیاهکل بار دیگر مقاله رفیق حمید با ویرایش دوم مقدمه و توضیحات منتشر می شود.

یک سال مبارزه چریکی در شهر و کوه، قبل از این چندین بار به صورت چاپی منتشر و در چند سایت اینترنتی هم درج شده است. من برای هرچه دقیق تر بودن متن مقاله، دو جزوه چاپی را با آن چه در سایتهای اینترنتی منتشر شده مقایسه کردم. موارد اشتباه در همه آنها به یک شکل است. توضیحات من که در پایان خواهد آمد با عدد مشخص شده و دو توضیح رفیق حمید اشرف که در متن اصلی با عدد مشخص شده بود، در این متن با عنوان زیرنویس به صورت «الف» و «ب» آورده شده است. در نگارش (رسم الخط) این مقاله از شیوه جدا نویسی که به ویژه برای خواندن در اینترنت راحت تر است استفاده شده که با نگارش متن اصلی منطبق نیست.

پیرامون حماسه سیاهکل آقای ناصر وحدتی در کتاب «داستان سیاهکل» در گزارشی رمان گونه با عنوان «روی خوش زنده گی» به تشریح رویدادهای چند روز بعد از حماسه سیاهکل می پردازد. این کتاب توسط موسسه انتشارات نگاه در سال ۱۳۸۶ در تهران منتشر شده است. آقای ناصر وحدتی همزمان با حماسه سیاهکل در همان منطقه دستگیر می شود و مشاهدات خود پیرامون این رویداد را در این گزارش رمان گونه روایت کرده است. ناصر وحدتی در این کتاب به توصیف شخصیت و افکار پدرش، زنده یاد آقای اکبر وحدتی که همزمان با رویداد سیاهکل از طرف ژاندارمری به پاسگاه احضار شده بود می پردازد. آقای اکبر وحدتی یک مخالف قدیمی رژیم شاه بوده که در جریان عملیات سیاهکل به علت عدم اطلاع رزمندگان گروه جنگل از حضور وی در پاسگاه جان می بازد.

در سال ۱۳۵۴ نیز رفیق حمید اشرف جزوه دیگری به نام «جمعدی سه ساله» نوشت که به وسیله سازمان

مقاله «یک سال مبارزه چریکی در شهر و کوه» که تاکنون دهها بار تجدید چاپ شده، یک سال پس از حماسه سیاهکل، در اسفند ماه سال ۱۳۵۰ با امضای «چریکهای فدایی خلق» منتشر شد. بنابراین این مقاله که در حقیقت یک گزارش و تحلیل کوتاه است را باید نظر چریکهای فدایی خلق در پایان سال ۱۳۵۰ ارزیابی کرد. اما تردیدی نیست که در نوشتن این اثر مهم رفیق حمید اشرف نقش تعیین کننده ای داشته است. در این مقاله به رویدادهای تا اواسط فروردین ۱۳۵۰ پرداخته شده و بنابراین همه رویدادهای سال ۱۳۵۰ را شامل نمی شود.

این نوشته دومین تحلیل پیرامون رستاخیز سیاهکل است که از جانب چریکهای فدایی خلق در سال ۱۳۵۰ منتشر شد. اولین بار در خرداد سال ۱۳۵۰، رفیق مسعود احمد زاده در مقدمه ای کوتاه بر کتاب «مبارزه مسلحانه، هم استراتژی هم تاکتیک» به تحلیل حماسه سیاهکل پرداخت. مقدمه رفیق مسعود هم نظر چریکهای فدایی خلق در آن شرایط بود.

در جزوه یک سال مبارزه چریکی در شهر و کوه، دو گروهی که با ادغام خود در فروردین سال ۱۳۵۰ با نام چریکهای فدایی خلق به فعالیت ادامه دادند، گروه جنگل و گروه رفیق مسعود احمدزاده نامیده شده است. رفیق بیژن جزنی این دو گروه را یک (گروه جنگل) و دو (گروه رفیق مسعود احمدزاده) نامگذاری کرد. در برخی از تحلیلها گروه رفیق مسعود، گروه شهر نامگذاری شده است.

تا آبان ۱۳۴۸ که من در جریان بحثها بودم، گروه جنگل بر این اعتقاد بود که مبارزه در کوه و جنگل نقش تعیین کننده داشته و بخش شهر نقش پشتیبانی برای نیروی انسانی، تبلیغات سیاسی، امکانات تدارکاتی و انجام عملیات ایذایی دارد. پس از آبان سال ۱۳۴۸ من به سرپازی رفته و در اسفند همان سال دستگیر و به مدت ۶ ماه زندان بودم و ۳ ماه پس از آزادی از زندان دوباره در ۲۳ آذر ۱۳۴۹ در یادگان زرهی شیراز دستگیر شدم. بنابراین اطلاعات من در مورد بحثهای درونی و اقدامات تشکیلاتی تا آبان ۱۳۴۸ است. بعضی از توضیحات من پیرامون این جزوه بر اساس اطلاعاتی است که خودم در جریان آن بودم، یا در رسانه های جمعی آن دوران، به شمول اسناد چریکهای فدایی خلق، منتشر شده و یا از طریق زندانیان سیاسی آن زمان به دست آورده ام.

پیرامون اختلافات تاکتیکی که در سال ۱۳۴۹ مساله وحدت دو گروه را به تأخیر می انداخت، حمید اشرف به طرح نظراتی می پردازد که نباید آن را تنها نظر تلقی کرد. یکی از علل تأخیر در امر وحدت، همان طور که رفیق حمید به آن اشاره می کند، عدم اطلاع گروه رفیق احمدزاده از کم و کیف کار گروه جنگل بود. گروه جنگل در دادن اطلاعات کامل به گروه دیگر بیش از اندازه مسایل امنیتی را رعایت می کرد. در پائیز سال ۱۳۵۰ در یک اطاق جمعی در زندان اوین، که اکثر دستگیر شدگان آن سال و منجمله رفقا مسعود احمدزاده و عباس مفتاحی در آن جمع بودند، مسعود احمدزاده به طرح اختلافات تاکتیکی بین دو گروه پرداخت که متأسفانه من به طور دقیق آن را به خاطر ندارم و امیدوارم کسان دیگری که در آن اطاق

حمید اشرف



یک سال مبارزه چریکی در شهر و کوه

مقدمه و توضیحات (ویرایش دوم): مهدی سامع
انتشارات نبرد خلق
بهمن ۱۳۹۴

سران و نخبگان جمهوری اسلامی با نقش مترقیانه جنبش پیشتاز فدایی و به علت کوتاه فکری بعضی محققان تازه به دوران رسیده، دروغهای رذیلانه و تهمت‌های ناروا به شکل گسترده منتشر شده و بازهم منتشر خواهد شد. همین موضوع دلیلی محکم بر این امر است که جریان فدایی با وجود خطاها و کمبودهای بسیار، با مداخله گری پرهزینه نقش مهم و غیر قابل انکار در جنبش آزادیخواهی مردم ایران داشته که برای ارتجاع حاکم تصور آن هم غیر قابل قبول است.

رویدادهای تاریخی قابل پیگیری نیست. اما آگاهی از رویدادهای تاریخی کمک می کند تا هزینه پیشبرد مبارزه علیه استبداد مذهبی ولایت فقیه کاهش پیدا کند. باشد که در آستانه چهلمین و پنجمین سالگرد حماسه سیاهکل، انتشار مجدد این مقاله بتواند برای جنبش آزادیخواهی مردم ایران و به ویژه برای نسل جوان که با پویایی برای راهجویی نظری و عملی تلاش می کند، سودمند باشد.

مهدی سامع
بهمن ۱۳۹۴

پیام جعفر عظیم زاده پس از پایان اعتصاب غذا به کارگران، معلمان و همه انسانهای شریف و آزادیخواه

خوشبینانه ترین حالت در میانه راهی است که بایستی به آن جایی ختم گردد که کارگران و معلمان و پرستاران و همه ی زحمتکشان قادر به ایجاد تشکلهای مستقل و سازماندهی و برپایی اعتراضات محلی و سراسری برای دستیابی به مطالبات برحق شان شوند، بدون این که اعتراضات شان امنیتی شود و آنان با اتهامات سنگین

ادای احترام می کنیم به جنبش بین المللی طبقه ی کارگر، به سازمانها واتحادیه های کارگری محلی و بین المللی در اروپا و کانادا و استرالیا و همه ی نقاط دنیا.

ادای احترام می کنیم به معلمان سراسر کشور، به کانونهای صنفی معلمان و به



اتحاد، اتحاد رمز پیروزی ست

امنیتی و زندانهای طویل المدت مواجه گردند.

علاوه بر اینها افزایش دستمزدها مطابق با استانداردهای زندگی امروزی، مزد برابر در از کار برابر، حق برپایی تجمع و راهپیمایی، حق برپایی اعتصاب، حق برپایی تشکل مستقل و وجود امنیت شغلی به مثابه حقوق بنیادین کارگران و معلمان، آن مطالبات حداقلی هستند که بایستی متحقق گردند.

من به نوبه ی خود به عنوان یک جز کوچک از جنبش عظیم طبقه کارگر چه در زندان باشم و چه بیرون از زندان، لحظه ای از مبارزه برای تحقق این مطالبات دست بر نخواهم داشت. این مبارزه و تلاش برای دست یابی به مطالباتمان بدیهی ترین حق ماست و هیچ قدرتی نمی تواند این حق را از ما کارگران و معلمان سلب کند و به ما بگوید نان نخواهید و خواهان بهبود شرایط زندگی خود نشوید.

اما در رابطه با ۶۳ روز اعتصاب غذا که با اسماعیل عبدی عزیز آن را آغاز کردم ما باید با تاکید بر پیشگامی چهره های جنبش معلمان در اتحاد طبقاتی کارگران و معلمان، اعلام کنیم هر چند که در طول این مدت روزهای بسیار سخت و پر مشقتی را پشت سر گذاشتیم اما این مدت در عین حال زیبا ترین و پرشکوه ترین روزهای عمر پنجاه ساله من بود. زیبا و پر شکوه به این لحاظ که این اعتصاب با همت کارگران و معلمان، تشکلهای صنفی آنان و فعالان مدنی و اجتماعی و جنبش جهانی طبقه کارگر به یک جنبش بزرگ و نقطه عطفی در تاریخ مبارزه طبقه کارگر ایران تبدیل گردید. جنبشی که به یقین منشا تحولات انسانی و بزرگی در دست یابی کارگران و معلمان و زحمتکشان ایران به مطالبات برحق شان خواهد شد.

فعالان و چهره های جسور این جنبش بزرگ.

ادای احترام می کنیم به فعالان مدنی و اجتماعی، به فعالان حقوق بشر و آزادیخواه، به زندانیان سیاسی در رایجی شهر و اوین و به جنبش دانشجویی که همواره جنبش کارگری و جنبش معلمان را علیرغم هزینه های فراوان همراهی کرده اند.

ادای احترام می کنیم به تشکلهای و نهادهای مستقل کارگری و محافل و جمعهای کارگری در کارخانه ها و یاران عزیزم در اتحادیه ی آزاد کارگران ایران که دست در دست هم، دوشادوش کانون صنفی معلمان، خواست پایان دادن به امنیتی کردن اعتراضات صنفی کارگران و معلمان و برداشته شدن اتهامات امنیتی از پرونده های فعالان صنفی و مدنی را تبدیل به یک جنبش عظیم کردند.

اما تا آن جا که به مطالبات این جنبش بر می گردد باید بگویم هنوز اتفاق در خور تاملی برای تحقق آنها رخ نداده است. هر چند که معلمان بزرگ ما رسول بدائی، اسماعیل عبدی، محمود بهشتی لنگرودی و علیرضا هاشمی آزاد شده اند و من امروز در خانه ام هستم و این به نوبه ی خود شمع انگیز است اما هر لحظه امکان این که اسماعیل عبدی و محمود بهشتی و من به زندان باز گردانده شویم وجود دارد. مهمتر از این، هنوز بهنام ابراهیم زاده و محمد جراحی در زندان هستند و علیرغم هفت سال حبس توام با رنج و مشقت ناشی از بیماری فرزند بهنام و بیماری محمد جراحی، آنان هنوز آزاد نشده اند که بایستی فوراً و بی قید و شرط آزاد گردند.

به این معنا باید بگویم جنبشی که در طول نزدیک به سه ماه گذشته شکل گرفته است هنوز در آغاز راه و در

حمایت بیش از ۵۰ تن از فعالان سازمان بین المللی سوسیالیست از سعید شیرزاد و امیر امیر قلی

لیلا جدیدی

و پس از یک سال بازداشت در یک محاکمه غیر منصفانه و نا عادلانه در شعبه ی ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی به ۲۱ سال حبس محکوم شد. دادگاه انقلاب در تفهیم اتهامات وی "توهین به مقدسات و رهبری" به "علت آنچه وی در "فیس بوک" منتشر کرده و "اخلال در نظم عمومی" به علت حضور او در "تجمع حمایت از کوبانی در تهران" را ذکر کرده است.

همه آن چه این زندانی سیاسی بدان متهم شده بنا به اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقهای وابسته به آن، جزیی از آزادی اندیشه، عقیده و بیان است. آقای امیر امیرقلی با دیدگاههای چپ در فیس بوک خود به طرح نظراتش می پرداخت. فعالیت سیاسی او علنی و مسالمت آمیز بوده و بنابراین حکم دادگاه در مورد وی فاقد اعتبار و علیه حقوق بشر است

سعید شیرزاد؛ به طور داوطلبانه در انجمن حمایت از حقوق کودکان، خانه کودک شوش و جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان فعالیت داشته است. وی پس از ۱۵ ماه

به دعوت "سازمان بین المللی سوسیالیست"، کنفرانس سالانه سوسیالیسم طی روزهای اول تا چهارم ژوئیه، برابر با ۱۱ تا ۱۴ تیر ماه در شهر شیکاگو (آمریکا) برگزار شد.

در این کنفرانس که با شرکت نزدیک به ۱۴۰۰ تن از فعالان چپ و کمونیست از سراسر آمریکا و نیز میهمانان خارجی برگزار شد، مهمترین مسایل نظری و تجربیات عملی در جنبش کمونیستی مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

شماری از فعالان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران که همه ساله در این کنفرانس شرکت می کنند، به گفتگو با فعالان سازمان بین المللی سوسیالیست پرداختند و با ارایه نشریه انگلیسی ایران ریل پرس (Iran Real Press) در مورد وضعیت زندانها و زندانیان سیاسی اطلاعات وسیعی در اختیار شرکت کنندگان قرار دادند.

بیش از ۵۰ تن از فعالان سازمان بین المللی سوسیالیست با امضای یک بیانیه از زندانیان سیاسی و به طور خاص از دو مدافع حقوق کودک که در زندان هستند، حمایت کردند.

متن این بیانیه چنین است:

جای فعال حقوق کودک در زندان نیست

جناب آقای بان کی مون، دبیر کل سازمان ملل متحد
جناب آقای احمد شهید، گزارشگر ویژه حقوق بشر برای ایران
جناب آقای آنتونیو گوترس، کمیسر عالی پناهندگان سازمان ملل متحد
جناب آقای تونی لیک، مدیر عامل صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف)

سرمکار خانم فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا

ما توجه شما را به این نمونه ها جلب می کنیم و درخواست همیاری و کمک شما برای آزادی این فعالان را داریم

امیر امیرقلی؛ فعال چپ دانشجویی و حامی کودکان کار که در تاریخ اول دسامبر ۲۰۱۴ به علت حضور در "تجمع حمایت از کوبانی"، بازداشت شد و تحت بازجوییهای مداوم در سلول انفرادی قرار گرفت

The Mr. Ban Ki-moon, Secretary-General of the United Nations, Mr. Ahmad Shahid, Special Representative for Human Rights, Mr. Antonio Guterres, United Nations High Commissioner for Refugees, Mr. Tony Laid, Director of the European Union, and Mr. Federica Mogherini, Vice President of the Council of the European Union.

We are bringing this to your attention, because we need your help to reverse the unjust verdicts on these activists.

Amir Amir Ghobadi is a human rights activist and advocate of the rights of women. He was arrested on December 28, 2014 for participating in a strike to support the people of Kordk. In their manifesto against the PDJ, Amir Amir Ghobadi guaranteed the right to a fair trial. The strike after this decision, but was immediately 27 days in prison through an unfair and unjust trial in March 13 of the Revolutionary Court, presided by Judge Saeed Karimi for his peaceful work activities and conducting social media.

The Revolutionary Court has charged Mr. Amir Amir Ghobadi with "violating the security of national borders," "because of what he wrote in Facebook and in 'Iran Real Press'" because he participated in a strike supporting human rights. According to the International Declaration of Human Rights and its subsequent covenants, all of whom the political system is a party to, the right to a fair trial is a fundamental right. On Facebook, Mr. Amir Amir Ghobadi expressed his love for his wife and children. His political activities were peaceful and constructive. He is a human rights activist and advocate of the rights of women.

Prison is not a Place for Children's Rights Activists

Saeed Shirzad is a human rights activist for the "House for the Protection of Children's Rights," "House for the Protection of Children's Rights," and the "Center for Children's Rights." He was arrested on December 28, 2014 for participating in a strike to support the people of Kordk. In their manifesto against the PDJ, Amir Amir Ghobadi guaranteed the right to a fair trial. The strike after this decision, but was immediately 27 days in prison through an unfair and unjust trial in March 13 of the Revolutionary Court, presided by Judge Saeed Karimi for his peaceful work activities and conducting social media.

زندانی بودن، بی مورد و بدون محاکمه و بدون دسترسی به وکیل به ۵ سال زندان محکوم شده است.

ما فعالان سیاسی، اجتماعی، مدنی و مدافع حقوق بشر، ضمن درخواست از نهادهای بین المللی می خواهیم که به نقض حقوق کودکان و عدم وجود امنیت برای فعالان مدافع حقوق کودک توجه داشته باشند.

از شما درخواست می کنیم به هر وسیله ممکن از این دو زندانی و دیگر زندانیان سیاسی به هر شکل ممکن حمایت کنید.

کارورزان سلامت

امید برهانی

قانونی هستند که آن را "ام مطالبات" جامعه پرستاری می خوانند.

طاهره زاهد صفت، رییس شورای عالی سازمان نظام پرستاری کشور در این باره گفت: "متأسفانه پس از گذشت ۹ سال از تصویب قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری در مجلس، پرستاران همچنان چشم انتظار اجرایی شدن این قانون هستند."

حسینعلی شهرباری، رییس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس نهم، با بیان اینکه عدم اجرای این قانون موجب نارضایتی پرستاران شده است، افزود: "وزارت بهداشت اعتباری برای اجرای این قانون ندارد."

مرگ در حین کار / فشار کار بر پرستاران ۳ تا ۴ برابر شده



خبرگزاری فارس، ۸ تیر - رییس کل سازمان نظام پرستاری می گوید در حال حاضر پرستاری در کشور حرفه پرچادبه ای نیست. ترک از کار و فوت پرستاران به دلیل سختی این شغل به وفور وجود دارد اما گزارش نمی شود. آدابی گفت: "قبل از طرح تحول سلامت، پرستاران کارانه و اضافه کار حداقلی می گرفتند، شیفتهای زیادی هم کار می کردند، هر چند راضی نبودند. اما پس از اجرای این طرح و افزایش بار مراجعات و ایجاد تقاضاهای القایی، به ناگاه ضریب اشغال تخت از ۷۰ به ۱۰۰ درصد رسید."

وی افزود: "این ضریب اشغال برای کسی که در بیمارستان کار می کند به معنی فشا ۳ تا ۴ برابری است، مانند باری است که ذره ذره به آن اضافه شده و دیگر نمی توان آن را از زمین بلند کرد." او با هشدار نسبت به وجود سندروم کاهش بازدهی در پرستاری گفت: "پرستارانی را داشته ایم که حین کار ناگهان فوت کرده اند. شیفتهای کاری زیاد پرستاران را ناتوان کرده و از اینگونه موارد زیاد است که ما از فضای مجازی متوجه آن می شویم، چون سیستم گزارش دهی نداریم و گزارش نمی شود."

وی ادامه داد: "ترک از کار هم به وفور وجود دارد. شغل پرستاری در حال حاضر در کشور حرفه پرچادبه ای نیست و هر یکسال فعالیت آن به اندازه ۳ تا ۵ سال پرستار را شکسته و خسته می کند." آدابی تصریح کرد: "همچنین اضافه کار پرستاری حذف شد و مجموع کار تحمیلی به پرستار را تحت عنوان کارانه با افزایش ۵۰ درصدی به پرستار دادند که این کارانه

مهم ترین عنوانهای اخبار پرستاران در تیر ماه ضرب و شتم پرستاران به وسیله همکاران پزشکی، طرح شکایت سازمان نظام پرستاری از وزارت بهداشت و وجود رانت مالی در تربیت کمک پرستار است. در ماه های گذشته، این جامعه مطالبات خود را به طور عمده از کانال نمایندگان آن در سازمان نظام پرستاری طرح کرده است.

انصراف از شکایت از طرح "سلامت یاران" به خاطر "مصالح ملی"



ایسنا، ۷ تیر - طرح "سلامت یاران" هلال احمر که حدود یک ماهی است در چند بیمارستان به اجرای آزمایشی گذاشته شده، نتوانسته به طور کامل نظر جامعه پرستاری را با خود همراه کند. مسوولان جمعیت هلال احمر و وزارت بهداشت بارها اعلام کرده اند سلامت یاران به هیچ عنوان به مسایل درمانی وارد نمی شوند و از سوی دیگر، سازمان نظام پرستاری از اوایل سال جاری، خود را آماده شکایت به کمیته بین المللی صلیب سرخ کرده بود، اما چندی پس از اجرای آزمایشی این طرح، تصمیم این سازمان تغییر کرد و از طرح شکایت خود منصرف شد.

علی محمد آدابی، رییس کل سازمان نظام پرستاری، دلیل انصراف از شکایت به صلیب سرخ را حفظ مسایل ملی در داخل کشور عنوان کرد و گفت: "انتظار دارم مسوولان هلال احمر در یک گفتمان منطقی با مسوولان نظام پرستاری، مسایل پرستاری و وابسته را حل کنند."

وی با اشاره به نارضایتی پرستاران از ورود نیروهای سلامت یار به بیمارستانها ادامه داد: "بیشتر شرح وظایف سلامت یاران در حوزه کمک بهیاری است که در حال حاضر بیش از ۶۰ هزار نیروی آموزش دیده وجود دارد. به همین خاطر توصیه می شود این افراد به کار گرفته شوند، اگر نیازی بود زیر نظر سازمان نسبت به آموزش نیروهای جدید اقدام شود."

בלاتکلیفی قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری ۹ ساله شد

خبرگزاری مهر، ۸ تیر - در ششم تیر ماه ۱۳۸۶ قانون "تعرفه گذاری خدمات پرستاری" با اکثریت آرا در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. بر اساس این قانون، خدمات پرستاری تعرفه دار می شود و هزینه های آن به حساب پرستاران واریز می شود. زیرا، جامعه پرستاری بر این عقیده است که حجم زیادی از کارهای بیماران بر عهده پرستاران است، اما چون تعرفه ای برای خدمات آنها وجود ندارد، در نتیجه پول این خدمات به جیب پزشکان می رود.

سه هزار و ۲۸۵ روز از روز تصویب این قانونی می گذرد و پرستاران هنوز چشم انتظار اجرایی شدن

نه به موقع داده شد و نه پرستاران را راضی کرد. کارانه ای که می دهند، تناسبی با حجم کار ندارد. بنابراین پرستاران حق دارند با این حجم کار گریه کنند. پرستاری را داریم که در ماه، ۲۵ نوبت شیفت شب کار می کند، آیا اسم این زندگی است؟ عواضی عاطفی و جسمی این فرد را چه کسی پاسخگو است؟" وی گفت: "ما فقط می خواهیم به وزارت بهداشت بگوییم سازمان نظام پرستاری به عنوان یک سازمان صنفی وظیفه دارد از پرستاران و مطالبات شان حمایت کند و وزارت بهداشت بهتر است به ما اعتماد کند."

سازمان نظام پرستاری: از وزارت بهداشت شکایت می کنیم

باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۵ تیر - رییس سازمان نظام پرستاری با اظهار گله مندی از کوتاهی وزارت بهداشت در اجرای قانون مصوب مجلس در مورد پرستاران، از شکایت قانونی این سازمان از وزارت بهداشت خبر داد.

محمد علی با اشاره به بلاتکلیفی بیش از ۱۵۰ هزار پرستار اظهار کرد: "با توجه به عدم اجرای قانون تعیین تعرفه نظام پرستاری توسط وزارت بهداشت و ایجاد مشکلات جدی در مورد حقوق و دستمزد برای پرستاران، لایحه شکایت قانونی سازمان نظام پرستاری از این وزارت خانه تنظیم شد که طی هفته آینده به جریان می افتد."

وی با اشاره به مفاد قانون خدمات پرستاری که در سال ۸۶ به تصویب قانون رسید، تاکید کرد: "طبق این قانون، تعیین تعرفه خدمات پرستاری رسماً تصویب شد که در طی مراحل اجرایی و ظرف ۶ ماه باید بسته های خدمتی توسط وزارت بهداشت، وزارت رفاه و سازمان نظام پرستاری مشخص و حل و فصل و برای تامین منابع مالی به مجلس عودت داده شود که متأسفانه تا امروز هیچ اتفاقی در این زمینه نیفتاده است."

رییس سازمان نظام پرستاری با بیان اینکه دیگر چاره ای به جز شکایت قانونی از وزارت بهداشت برای تعیین تکلیف وضعیت تعرفه خدمات نظام پرستاری نمانده است، گفت: "عملاً این ماجرا تعیین و ابلاغ این تعرفه ها بر زمین مانده است و هم اکنون با گذشت بیش از ۹ سال و پیگیری قانون مند این موضوع بواسطه همه شیوه های رسیدگی مدنی توسط جامعه پرستاران، همچنان هیچ خبری از وضعیت و تعیین تکلیف تعرفه های نظام پرستاری نیست."

ضرب و شتم یک پرستار توسط پزشک

نظام پرستاری، ۱۹ تیر - یکبار دیگر جامعه پرستاری کشور شاهد خشونت و برخورد فیزیکی از سوی پزشکان و این بار در بیمارستان آموزشی درمانی "شهدای تجریش" شد.

علی جعفری، پرستار مضروب و شاغل در بخش آی سی یو جنرال بیمارستان "شهدای تجریش" در تشریح این اتفاق رخ داده برای خود اظهار کرد: "در تاریخ ۱۳ تیرماه پس از یک شیفت کاری شب، پیش از تحویل بخش به همکاران صبح، جناب آقای ع.م. رزیدنت سال آخر جراحی عمومی بیمارستان برای ویزیت و پانسمان بیمار به بخش مراجعه کرد."

وی ادامه داد: "بیماری با تشخیص استیون جانسون در بخش بستری بود که به دستور پزشک باید روزانه دو بار (صبح و شب) حمام داده می شد و با وجود یادآوری پرستار شیفت شب، اما رزیدنت مسوول، این موضوع را فراموش و در انجام آن کوتاهی کرد." این پرستار افزود: "از این رو بیمار در وضعیت مناسبی قرار نداشت و رزیدنت سال بالاتر با مشاهده وضعیت بیمار اقدام به هتاک و بکار بردن الفاظ خارج از عرف بقیه در صفحه ۹

کارورزان سلامت

بقیه از صفحه ۸

سرکوب مردم تشنه بلداجی گوشه ای از اقتصاد مقاومتی

زینت میرهاشمی



در درگیری بین مردم و نیروهای انتظامی جوانی به نام صادق نادری کشته شد

خبر مجروح شدن ۱۸۰ تن از مردم معترض بلداجی توسط ماموران خامنه ای همزمان با ارسال کمک برای نجات اقتصاد دیکتاتوری بشار اسد، بخش دیگری از اقتصاد مقاومتی را رونمایی کرد. فقر و فلاکت برای مردم ایران به بهای گرم کردن تنور جنگ برای بقای بشار اسد در حالی که بی آبی و فاجعه زیست محیطی به یکی از معضلات بیش از نیمی از مردم ایران تبدیل شده، رژیم با دستگیری فعالان دفاع محیط زیست و فعالان مدنی سالهاست که با سرکوب جلوی



حرکتهای اعتراضی به تخریب محیط زیست را می گیرد. تعداد زیادی از زندانیان سیاسی به همین جرم در سياهچالهای رژیم به حبسهای طولانی محکوم شده اند. از آنجا که همه ی پروژه های اقتصادی در دست رانت خواران، ریزه خواران و وابستگان حکومتی می چرخد و بدون در نظر گرفتن منافع مردم و مشورت با مردم بومی صورت می گیرد، لذا حرکتی اعتراضی مردم به خاطر برخورداری از داشتن آب، اولیه ترین حقوق انسانی، اینچنین مورد سرکوب وحشیانه نیروهای سرکوب قرار گرفته است. بنا به آمار نهادهای حکومتی ۱۸۰ نفر در حرکت اعتراضی روستای بلداجی مجروح، یک نفر کشته و تعداد زیادی دستگیر شده اند. سرکوب چنان سخت بوده که تعدادی از اعضای شورای شهر استعفا دادند. مردم شهر بلداجی از توابع شهرستان بروجن در چهارمحل بختیاری روز ۲۸ تیر به انجام لوله گذاری مخفیانه برای انتقال آب این شهر، اعتراض کردند که مورد سرکوب قرار گرفتند. این شهرستان هم مانند بسیاری از نقاط محروم ایران دچار خشکسالی و کم آبی است.

به گزارش رادیو فردا، در هفته پیش روز ۱۷ تیر، خبرگزاری حکومتی سوریه، از دومین کمک اعتباری یک میلیارد دلاری رژیم ولایت فقیه برای نجات اقتصاد حکومت اسد خبر داد. بر اساس این خبر، بشار اسد با تصویب قانون این کمک را پذیرفت. این دومین کمک بزرگ رژیم از سال ۲۰۱۳ برای نجات حکومت ورشکسته اسد است.

فراسوی خبر آینه ۱ مرداد

این نیروها استفاده کند و دلیلی ندارد از افراد ۴ میلیون تومان بگیرد و کمک پرستار تربیت کند، در حالی که کمک بهیاران با هزینه ۴۰۰ تا ۵۰۰ تومان تربیت می شدند و این کارها را انجام می دادند.

وی تاکید کرد: "یک سری مسایل و رانتهای مالی در خصوص تربیت کمک پرستاران وجود دارد و برخی از این مسیر می خواهند به رانتهای مالی برسند. همچنین، برخی سهامداران و روسای بیمارستانهای خصوصی به دنبال نیروی انسانی هستند که با کمترین حقوق و دریافتی و انتظارات، وظایف

پرستاری را انجام دهند و هزینه کمتری برای آنان دربر داشته باشند."

سپردن سلامت مردم به کمک پرستاران خطرناک است/ کلاهبرداری در کلاسهای کمک

پرستاری

خبرگزاری فارس، ۲۹ تیر - عضو شورای عالی نظام پرستاری گفت: "دوره های یکساله ای طراحی شده که افرادی به عنوان کمک پرستار به بیمارستانها و حتی منازل بروند و خدمات یک کارشناس پرستاری را ارایه دهند که این خیانت به مردم بوده و بسیار خطرناک است."

رضا دالایی گفت: "از زمانی که معاونت پرستاری در وزارت بهداشت تشکیل شد، یک درآمدزایی طراحی گردید که به عنوان کمک پرستار مبالغ بالایی حدود ۵ تا ۶ میلیون تومان برای آموزش هر یک از این افراد پیش بینی کردند که البته بعدها کمتر شد و اکنون ۳ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان برای آموزش و تربیت کمک پرستار برآورد کردند."

دالایی با اشاره به اینکه این اقدام برای سودآوری و کلاهبرداری انجام شده، گفت: "ما در جلسات شورای عالی نظام پرستاری مخالفت خود را اعلام کردیم، اما این دوره ها برگزار شده و نمی توانستیم جلوی آنها را بگیریم. با این وجود، ۲۲ شرح وظیفه قبلی را برای اجرا قبول داشتیم، اما متأسفانه کلاسها همچنان برقرار است و شرح وظیفه در حال تغییر است."

وی ادامه داد: "اگر کمبود داریم باید کارشناس پرستاری آموزش دهیم، نه اینکه افرادی با دوره یکساله. این خیانت به مردم است و سپردن سلامت مردم به افرادی که دوره کامل ندیده اند خطرناک است."

وی افزود: "چون این افراد استخدام شان در بیمارستانها محدود است، برای اینکه بازار جدیدی برای خود ایجاد کنند و درآمد داشته باشند، بحث خانه را مطرح کردند در حالی که ما اکنون کارشناس ارشد سالمندان برای این کار تربیت می کنیم. این افراد شاید در بیمارستانها قابل کنترل باشند، اما در منزل ممکن است خطر بزرگتری را به وجود بیاورند."



جامعه و بدور از شان پرسنل درمانی نسبت به من نمودند. با ادامه این وضعیت طی تماسی سوپر وایزر کشیک هم در محل حاضر شد، اما متأسفانه هیچ تغییری در نحوه برخورد رزیدنت هتاک ایجاد نشد و در ادامه اقدام به ضرب و شتم من در حضور پرسنل بخش و سوپر وایزر بیمارستان کردند."

جعفری با بیان اینکه داد و بیداد و بد و بیراه گفتن رزیدنت سال آخر در بخش عملاً آرامش بخش، پرسنل و بیماران را بر هم زد طوری که همه دست از کار کشیدند، افزود: "این تنش در حالی توسط رزیدنت سال آخر در بخش ایجاد شد که براساس دستور پزشک که بالای تخت بیمار نصب شده بود، پرسنل درمانی بدون حضور رزیدنت حتی اجازه تغییر پوزیشن بیمار را نداشتند."

در پایان جعفری گفت: "شرایط به گونه ای است که اگر برای یادآوری پیگیری امور بیماران حتی اگر به اینترنتها اقدام کنیم، مورد تهدید این گروه واقع می شویم." وی یادآور شد: "برای تامین شرایط درمانی موثر برای بیماران، موضوع را از طریق مراجع انتظامی و قضایی بطور جد تا حصول نتیجه پیگیری خواهیم کرد."

وجود رانت مالی در تربیت کمک

پرستار/اگر ریگی به کفش ندارند...

ایلنا، ۱۹ تیر - محمد شریفی مقدم، قائم مقام سازمان نظام پرستاری گفت، وزارت بهداشت به بهانه اینکه نیازهای بیماران معطل مانده و توسط همراهان بیمار انجام می شود، موضوع کمک پرستار را مطرح کرده است.

وی با اشاره به اینکه امورات اولیه بیمار نظیر کمک در غذا خوردن، راه رفتن، حمام کردن و جابه جایی در تخت و همچنین برآوردن نیازهایی همچون دستشویی رفتن و بهداشت تخت بیمار از وظایف کمک بهیاران است، گفت: "کمک بهیاران رده قانونی مصوب شده با کریکولهای آموزشی هستند و همین کارها را انجام می دهند و در حال حاضر نیز ۵۰ هزار کمک بهیار تربیت شده و آماده به کار وجود دارد و این رده از سوی چهار دانشگاهی و انجمن پرستاری تعریف شده اند."

وی ادامه داد: "بنابراین ما یک نیاز داریم و برای برطرف کردن این نیازها در حال حاضر ۵۰ هزار نیروی تربیت شده وجود دارد و وزارت بهداشت اگر ریگی به کفش ندارد، می تواند از

دانشگاه در ماهی که گذشت

کامران عالمی نژاد

کلیه رشته های مرتبط با سلامت به وزارت بهداشت منتقل شدند



قایم مقام معاون آموزشی وزارت بهداشت از انتقال ۲۴ رشته مرتبط با سلامت از وزارت علوم به وزارت بهداشت تا سال ۹۶ خبر داد.

دکتر حمید اکبری با اشاره به انتقال ۲۴ رشته مرتبط با سلامت از وزارت علوم به وزارت بهداشت گفت: "رشته هایی نظیر روانشناسی بالینی، روانشناسی سلامت، روانشناسی خانواده، ورزش درمانی، خدمات سلامت، پهورزی، دارویرای، تغذیه ورزش، مراقبت از زنان، مشاوره ژنتیک، ماساژ درمانی، بهداشت روان، مراقب طبی سالمندی و مشاوره ورزشی از جمله رشته هایی است که فیلد لازم از جمله بیمارستان و دسترسی به بیمار برای آموزش در وزارت علوم در اختیار ندارند."

وی گفت: "برنامه های درسی رشته های منتقل شده تغییر نخواهند کرد، بلکه مورد بازبینی قرار می گیرند. انتقال رشته های مرتبط با سلامت از وزارت علوم به وزارت بهداشت جای هیچگونه تردید و نگرانی برای دانشجویان ایجاد نخواهد کرد، چرا که دانشجویانی که در این رشته ها فارغ التحصیل شده و دانشجویانی که در حال تحصیل هستند، بر اساس همان روال قبلی به تحصیل خود ادامه خواهند داد و این قانون تنها شامل ورودیه های جدید این رشته ها خواهد شد." وی گفت: محل ارایه دروس دانشجویان رشته های منتقل شده به وزارت بهداشت هنوز مشخص نیست، اما به احتمال زیاد این دانشجویان می توانند در همان دانشگاه محل تحصیل خود ادامه دهند." (ایسنا، ۷ تیر)

تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه صنعتی

ارومیه



دانشجویان دختر و پسر خوابگاههای "خلیلی" و "بهشتی" دانشگاه صنعتی ارومیه در اعتراض به پایین بودن کیفیت غذا اعتراض کردند و غذاهای خود را در راهروهای خوابگاه بر روی زمین پدیدند.

دانشجویان معترض خواستار حضور مسوولان دانشگاه، معاونت دانشجویی، معاونت مالی و ریاست دانشگاه به منظور پاسخگویی بودند، اما معاونت دانشجویی و مدیریت دانشجویی به تلفنهای خود پاسخی ندادند و تماسهای دانشجویان را رد کردند.

بقیه در صفحه ۱۱

وی افزود: موضوع تعطیلی خوابگاهها به تازگی به دانشجویان اطلاع رسانی شده و باید خوابگاه را تخلیه کنند، اما برخی دانشجویان اعتراض کردند که به اعتراض آنها رسیدگی خواهد شد و مشکل شان را برطرف خواهیم کرد." (خبرنامه دانشجویان ایران، ۲ تیر)

اعتراض دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گیلان به کیفیت نامناسب غذا



دانشجویان خوابگاه بوستان دانشگاه علوم پزشکی گیلان در اعتراض به کیفیت بسیار پایین مواد غذایی، این مواد را از پنجره های خوابگاه به حیاط پرتاب کردند.

نگهبانان دانشگاه، چندین نفر از دانشجویان معترض را شناسایی کردند و آنها را مجبور به جمع آوری مواد غذایی پرتاب شده در حیاط دانشکده کردند! یکی از دانشجویان این خوابگاه گفت: "چند وقت پیش هم این اتفاق و اعتراض دانشجویی به علت ارایه سالاد الویه فاسد در همین خوابگاه به وجود آمد." وی در ادامه گفت: "دانشگاه علوم پزشکی گیلان مبلغ بالایی را به پیمانکاران بدهکار است و وقتی از مدیر دانشجویی درخواست می شود که کیفیت غذایی را بالا ببرید، در جواب می گویند ما به علت بدهکاری بالا به پیمانکار نمی توانیم درخواست غذای با کیفیت بکنیم." (پیک دانشجوی، ۲ تیر)

تجمع دانشجویان دانشگاههای وزارت علوم مقابل وزارت بهداشت

گروهی از دانشجویان رشته های مختلف دانشگاههای وزارت علوم، در اعتراض به اختصاص نیافتن شماره نظام پزشکی به برخی رشته های PhD در مقابل وزارت بهداشت تجمع کردند.

روز ۱ تیر، دانشجویان علاقه مند به شرکت در کنکورهای ارشد و دکتری وزارت بهداشت با خبری عجیب در سایت سنجش پزشکی کشور مواجه شدند که در آن، دانشجویانی که پایه آنها در مقطع کارشناسی ارشد از وزارت بهداشت نبوده و از سایر مراکز علمی کشور از جمله وزارت علوم است را از حق داشتن شماره نظام پزشکی ولو در صورت طی دوره چهار ساله دکتری رشته های مذکور، منع کرده است. دانشجویان معترض می گویند نامه اخیر سازمان نظام پزشکی به سازمان سنجش پزشکی در آستانه کنکور دکترای تخصصی وزارت بهداشت، مبنای علمی نداشته و باعث محرومیت دانشجویان دانشگاههای وابسته به وزارت علوم از حقوق قانونی و بی عدالتی آموزشی است. (خبرآنلاین، ایران، ایسنا ۵ تیر)

تجمع دانشجویان خرمشهری در اعتراض به نداشتن خوابگاه

جمعی از دانشجویان دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر در اعتراض به عدم واگذاری خوابگاه تجمع کردند. این تجمع در مقابل ساختمان مرکزی دانشگاه برگزار شد و دانشجویان خواستار شنیدن صدای مطالبه گری آنان از سوی مسوولان و پیگیری این مساله شدند.

لازم به ذکر است براساس تصمیم جدید مسوولان



دانشگاه، قرار است خوابگاه دانشجویان سال آخر گرفته شود و در اختیار دانشجویان جدیدالورود قرار گیرد، این در حالی است که سالیان قبل چنین مساله ای وجود نداشت.

در پی این تجمع، از سوی معاونان دانشگاه قول داده شد در روزهای آتی جلسه ای با حضور ریاست دانشگاه پیرامون مشکل به وجود آمده برگزار و تصمیمات لازم جهت حل آن گرفته شود. (خبرگزاری دانشجو، ۱ تیر)

اعتراض دانشجویان دانشگاه شریف به تعطیلی خوابگاهها

یکی از مسایلی که همواره پس از امتحانات دانشگاهی به دانشجویان اعلام می شود، تعطیلی خوابگاههای دانشجویی است؛ مساله ای که مشکلات زیادی را برای دانشجویان به وجود می آورد.

امسال نیز تعداد زیادی از دانشگاهها در اطلاعیه هایی از تعطیلی چند روزه خوابگاه پس از برگزاری امتحانات خبر دادند و خواستار خروج دانشجویان از خوابگاهها شدند.

دانشگاه صنعتی شریف نیز در اطلاعیه ای نیز از تعطیلی ۱۰ روزه خوابگاهها خبر داد. همین مساله با اعتراض دانشجویان خوابگاههای خوابگاه "احمدی روشن" و خوابگاه طرشت ۳ روبرو شده است.

دانشجویان این دو خوابگاه در نامه های جداگانه که خطاب به مسوولان دانشگاه منتشر کرده اند، این تصمیم را موجب ایجاد نگرانی فراوان در دانشجویان عنوان کرده اند. آنها در رد تعطیلی خوابگاهها استدلال کرده اند تعداد کثیری از دانشجویان به دلیل پروژه های درسی و تعدادی نیز به دلیل داشتن کارآموزی، در خوابگاه حضور خواهند داشت. از طرفی، برخی از دانشجویان برای اعتراض به نمرات نیز ناچار به حضور در خوابگاه حتی یک یا دو هفته پس از پایان امتحانات می باشند.

در واکنش به اعتراضهای دانشجویان، معاون دانشجویی دانشگاه علت این تصمیم را "سم پاشی میان ترم" عنوان کرد و گفت: "خوابگاههای دانشگاه شریف از هفته آینده به مدت یک هفته برای تعمیرات و سم پاشی تعطیل می شود."

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۱۰

بر همین اساس، دانشجویان بیانیه‌ای صادر کردند که در بخشی از آن سووال شده است: "آیا مسوولان محترم دانشگاه خود راضی هستند که فرزندان شان با این وضعیت تحصیل کنند؟ آیا راضی هستند فرزندان شان غذای گرم دار بخورند و به خاطر اعتراض به وضعیت تغذیه خود از تحصیل محروم شوند؟" دانشجویان خواسته های خود را به شرح زیر طرح کرده اند:

"فسخ قرارداد پیمانکار فعلی و عدم اجازه شرکت مجدد این پیمانکار در مناقصه بعدی، ارایه مستندات کسر از قرارداد پیمانکار به خاطر تخلفات صورت گرفته، حق نظارت کامل نماینده شورای صنفی بر امور سلف سرویس دانشگاه، نظارت بر چگونگی تنظیم تمامی قراردادهای مرتبط با شورای صنفی رفاهی در اموری که مطابق آیین نامه مصوب وزارت علوم جزو اختیارات شورای صنفی رفاهی است، بازگشت هرچه سریع تر وعده صحنه به منوی غذایی، استخدام کارشناس تغذیه، شروع به کار مجدد رستوران آزاد در وعده ناهار و شام از ترم آتی، پخش غذا در پنجشنبه و ارایه دورچینه‌های مناسب." (خبرنامه دانشجویان ایران، ۸ تیر)

مخالفت وزیر علوم با واگذاری روانشناسی

بالینی به وزارت بهداشت

معاون حقوقی و امور مجلس وزارت علوم اعلام کرد وزیر علوم معتقد است رشته روانشناسی بالینی از گرایشهای رشته روانشناسی بوده و از جمله رشته های علوم انسانی و غیرپزشکی است. دکتر محمد روشن یادآور شد: "طبیعی است در برخی دوره‌ها یک شبهه‌ای پیش می آید که یک موضوع و یا یک رشته خاص در حیطه دانشی کدامیک از این دو وزارتخانه است. دستوری که اکنون رییس جمهور در خصوص رشته های مرتبط با سلامت ارایه داده اند، دستور درست و صحیحی است و بنیاد تفکیک رشته ها نیز منبعث از چنین تلقی است که همه رشته های مرتبط با سلامت در وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی متمرکز باشند."

وی افزود: "اما نکته اینجاست که در تطبیق اینکه چه رشته ای مرتبط با سلامت است و ضمن ارتباط با سلامت، عمده واحدهای آن از جنس پزشکی یا غیرپزشکی است، باید به صورت مصدافی بررسیهای لازم صورت گیرد و اینکه چه رشته ای مصداف سخن رییس جمهور است، این را باید تشکیل جلسه داد و بررسی کرد و به نتیجه رسید."

روشن یادآور شد: "تاکید می شود مقام عالی وزارت علوم، دکتر فرهادی، اعتقاد دارد رشته روانشناسی بالینی از گرایشهای رشته روانشناسی بوده و از جمله رشته های علوم انسانی و غیر پزشکی است."

وی ادامه داد: "عناوین دروس و محتوای سرفصل دوره های کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی در این گرایش، غالباً در زمینه علوم انسانی است چرا که موضوع این رشته با همه پیچیدگیهای آن انسان است و غلبه ارتباط با علوم پزشکی نیست." (خبرگزاری مهر، ۹ تیر)

تجمع دوباره دانشجویان و فارغ التحصیلان

علوم پایه

جمعی از دانشجویان و فارغ التحصیلان رشته‌های علوم پایه به دلیل لغو ارائه شماره نظام پزشکی به آنها

اعتراض کرده و درخواست داشتند مسوولان سلیقه شخصی خود را در تصمیم گیریها راه ندهند. دانشجویان حاضر در این اعتراض صراحتاً مخالفت خود را به نامه اخیر نظام پزشکی خطاب به سازمان سنجش اعلام کردند که بر اساس این نامه دانشجویانی که مدرک کارشناسی ارشد از وزارت علوم گرفته باشند و یا داوطلب و فارغ‌التحصیل رشته‌های علوم پایه باشند نمی‌توانند شماره نظام پزشکی دریافت کنند. (فارس، ۱۳ تیر)

حمله ماموران شهرداری به دانشگاه هنر و

درگیری با حراست

ماموران شهرداری با حمله به دانشگاه هنر و درگیری با ماموران حراست دانشگاه با ادعای مالکیت بر قسمتی از ضلع غربی ساختمان پردیس مرکزی دانشگاه هنر واقع در مجموعه باغ ملی، قصد تخریب درب نصب شده در این ساختمان را داشتند.

به گفته تعدادی از دانشجویان دانشگاه هنر، روز دوشنبه ۱۴ تیرماه ماموران شهرداری به مسوولان و حراست دانشگاه اعلام می کنند که باید قسمتی از ضلع غربی را تخلیه کنند که حراست دانشگاه با این اقدام مخالفت می‌کند.

شهرداری مدعی است قسمتی از مجموعه قزاقخانه سابق (ساختمان فعلی دانشگاه هنر) که در زمان مالکیت ارتش بر این ساختمان در داخل مجموعه دیوارکشی شده و اقدام به نصب درب برای آن کرده اند، خارج از مجموعه است و به نصب این درب اعتراض دارند.

در همین رابطه محمد طاهری دبیر انجمن اسلامی دانشگاه هنر می‌گوید: "سه شنبه ۱۵ تیرماه این موضوع منجر به درگیری و زدوخورد میان ماموران شهرداری، حراست و کارکنان دانشگاه می‌شود که در این بین ماموران شهرداری یکی از ماموران حراست دانشگاه را به زور وارد ماشین خود می‌کنند که پس از ورود ماموران نیروی انتظامی، این بحث و درگیری پایان می‌یابد."

طاهری با طرح این سووال که معلوم نیست چرا شهرداری پس از سالها به سراغ این ساختمان آمده می‌افزاید: "این اتفاقات و برخورد ماموران در حالی صورت گرفته که دانشجویان در تعطیلی هستند و سعی داشتند که در نبود دانشجویان و بی‌سروصدا این اقدام را انجام دهند." (ایلنا، ۱۷ تیر)

تجمع دانشجویان دانشگاه هنر در اعتراض

به شهرداری



شماری از دانشجویان دانشگاه هنر در اعتراض به اقدامات شهرداری منطقه ۱۲ در تعرض به بخشی از فضای فیزیکی این دانشگاه تجمع کردند. دانشجویان

با تجمع در پردیس باغ ملی اعتراض خود به اقدامات و سیاستهای شهرداری را اعلام داشتند. در بیانیه ای که دانشجویان در پایان تجمع خود منتشر کردند آمده است:

"اکنون، ما می آییم..."

برای دانشگاه هنر، که مورد تعرض واقع شد، برای دفاع از مرزهای آموزشی دانشگاه مادر هنر این مرز و بوم،

برای دانشجویانی که سه سال خاک باغ ملی را در ریه های شان تلنبار کردند تا روزی شهرداری مدعی خاکهای فروخورده شود!" (آنا، ۲۰ تیر)

سومین تجمع اعتراضی دانشجویان علوم

پایه نسبت به مصوبه وزارت بهداشت

جمعی از دانشجویان علوم پایه به علت تصمیمات اخیر سازمان نظام پزشکی و وزارت بهداشت، مقابل سازمان نظام پزشکی تجمع کردند. دانشجویان حاضر در این اعتراض صراحتاً مخالفت خود را به نامه اخیر نظام پزشکی خطاب به سازمان سنجش اعلام کردند که بر اساس این نامه دانشجویانی که مدرک کارشناسی ارشد از وزارت علوم گرفته باشند و یا داوطلب و فارغ‌التحصیل رشته‌های علوم پایه باشند نمی‌توانند شماره نظام پزشکی دریافت کنند. (واحد مرکزی خبر، ۲۴ تیر)

وعده استخدام دانشجویان دانشگاه صنعت

نفت عملی نشد

دانشجویان دانشگاه صنعت نفت آبادان بعد از شش ماه بلاتکلیفی در اعتراض به ماجرای ادامه دار لغو استخدامی دانشجویان، نامه‌ای به وزیر نفت نوشتند. تحسن شبانه روزی یک هفته‌ای دانشجویان دانشگاه صنعت نفت که دی ماه سال گذشته در حیات این دانشگاه برگزار شد و امتحانات را لغو کرد، شورای اداری و استخدامی وزارت نفت را مجبور کرد تا در برابر خواسته دانشجویان کوتاه بیاید. اما باوجود حل شدن مشکل دانشجویان روی کاغذ، هنوز در عمل، کار دانشجویان گیر است.

بر همین اساس جمعی از دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاه صنعت نفت در نامه ای به بیژن زنگنه وزیر نفت، خواستار پوشش اخبار استخدام شان شده اند.

در بخشی از این نامه آمده است: "علیرغم گذشت مدت زمان طولانی و پیگیریهای مستمر، شاهد هیچ گونه تغییری در وضعیت استخدامی خود نبوده و مسوولان مربوطه در طرح و برنامه ریزی نیروی انسانی تا کنون هیچ گونه جواب مشخص و قانع کننده ای در قبال این تأخیر و نابسامانی وضعیت موجود فارغ التحصیلان ارایه نداده و بلکه با بیان اظهارات خلاف قانون موجبات سردرگمی و دغدغه های بیشتر را به وجود آورده اند." (خبرنامه دانشجویان ایران، ۲۶ تیر)

تجمع دانشجویان دانشگاه تهران

در اعتراض به کیفیت غذا

جمعی از دانشجویان تحصیلات تکمیلی خوابگاههای کوی دانشگاه تهران در اعتراض به کیفیت پایین، قیمت بالا و حذف برخی از وعده های غذایی از برنامه غذایی دانشجویان شب گذشته تجمع اعتراضی داشتند. همچنین این دانشجویان اقدام به تدوین نامه ای برای پیگیری مشکلات مطرح شده کردند.

به گفته این دانشجویان در صورتی که اقدامات لازم برای رفع مشکلات آنها صورت نگیرد اعتراضهای خود را منسجم تر و با حضور دانشجویان بیشتری ادامه خواهند داد. (مهر، ۳۰ تیر)

رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

فیلم.....

سخن روز:

"ابتکار به خرج دادن شجاعت لازم دارد" (ماتیس ۱۸۶۹ - ۱۹۵۴) نقاش فرانسوی اوایل قرن بیستم. او به سبب نوآوریهایش و اثر گذاری بر معاصران، یکی از مهمترین هنرمندان سده بیستم به شمار می آید "هرچه دوست داری باش و هرچه احساس می کنی ابراز کن، زیرا کسانی که از آن ناراحت می شوند، مهم نیستند و کسانی که مهم هستند، ناراحت نمی شوند" (تندور سوس جزل، معروف به "دکتر سوس" (-۱۹۰۴- ۱۹۹۱)، نویسنده و نقاش آمریکایی. آثار او که بیشتر آن کتابهای معروف کودکان است، نزدیک به ۶ میلیون نسخه چاپ و به ۲۰ زبان دنیا ترجمه شده است)



عباس کیارستمی درگذشت

کیارستمی، کارگردانی که همواره به دلایلی راه سفر وی به برون و درون ایران آزاد بود و هر بار با جایزه تازه ای را نصیب خود می کرد، درگذشت. از جمله فیلمهایی کیارستمی "طعم گیلاس"، "خانه دوست کجاست"، "کپی برابر اصل"، "زیر درختان زیتون" و "باد ما را خواهد برد" می باشد. کیارستمی هنگام مرگ ۷۶ سال داشت و در در آخرین روزهای عمرش در یکی از بیمارستانهای فرانسه بود. پیکر او به ایران فرستاده شد.

"دوازده سال انتظار" فیلمی از تاجیکستان

در باره ازدواج دختران جوان



در تاجیکستان فیلم جدیدی به نمایش درآمده که به مساله ازدواج زودرس دختران در این کشور فقر زده آسیای میانه و پیامدهای آن می پردازد. این فیلم که "دوازده سال انتظار" نام دارد، در استودیوی "سغدسینما" در شمال تاجیکستان تولید شده و نمایش آن در شهرها و نواحی استان سغد با استقبال گرم تماشاچیان روبرو شده است.

تهیه کنندگان این فیلم گروهی از جوانان هستند که پس از ساختن نخستین فیلم هنری خود به نام "پیمان"، استانداری سغد تصمیم گرفت که برای آنها که بیکار بودند، یک استودیوی سینمایی تاسیس کند تا برای آنان شغل فراهم کرده و صنعت سینما را نیز رشد دهد.

"دلآشوب عارفزاده"، تهیه کننده جوان این فیلم، می گوید: "برای این که فیلم ما به مردم نزدیک باشد، تصمیم گرفتیم با خانواده هایی که از هم پاشیده اند، صحبتی انجام بدهیم، از جمله با عروسها، با دامادها و با خوشدامنها (مادر شوهران). تقریباً با صد خانواده جداشده صحبت کردیم. همچنین با متخصصانی مانند "بیهاجل رحیم اوا"، از فعالان امور زنان، که در مسایل جنسیت دانش و تجربه زیادی دارند، و با مسوولان اداره های ثبت احوال، که ازدواج و طلاقها را ثبت می کنند نیز صحبت کردیم تا دیدگاه های آنها را بگیریم. بعداً از میان آن صد قصه، فیلمنامه نویسی ما سه داستان را انتخاب کرد و با تکیه بر این سه قصه، سناریوی فیلم "دوازده سال انتظار" ساخته شد.

نمایشگاه عکسهای "قهرمانان"

نمایشگاهی با عنوان "قهرمانان" در گالری اطلس در لندن عکسهایی که تاکنون دیده نشده اند را به نمایش گذاشته. این عکسها در کتاب جدیدی با عنوان "بویی" چاپ شده اند. "استیو شاپیرو"، عکاس آمریکایی است که از چهره های معروفی مثل "محمد علی"، "دیوید بویی" و

هنرهای تجسمی

سرقت مجسمه برنزی ۳۵۰ کیلویی از

محوطه ساختمان وزارت ارشاد



یک مجسمه برنزی به وزن ۳۵۰ کیلوگرم از محوطه ساختمان معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در تهران سرقت شده است. این مجسمه اثر بهداد لاهوتی بوده و موزه هنرهای معاصر تهران در سال ۱۳۹۰ آن را خریده بود.

آقای لاهوتی پیشتر در نامناسب بودن محل نگهداری این مجسمه در زیر پله هشدار داده بود. دزدیدن مجسمه از آنجا سبب حیرت است که بعد از ساخت به گفته لاهوتی "شش نفر به سختی آن را جا به جا کردند، چون حجم و وزن آن زیاد بود". وی گفته اگر بخواهد دوباره مجسمه را بسازد، بین ۳۰ تا ۳۵ میلیون تومان هزینه ساخت آن می شود.

"خبرگزاری فارس" می گوید به دلیل سنگینی وزن این اثر، مجسمه خرد شده و به صورت تکه تکه از ساختمان معاونت هنری خارج شده است. این منبع همچنین گفته است طی سال گذشته خورشیدی، ۲۷ اثر قیمتی متعلق به هنرمندان معاصر ایران از انبار دفتر هنرهای تجسمی وزارت ارشاد به سرقت رفته است.

"مارتین لوترکینگ" عکسهای تاریخی گرفته است. شاپیرو افزون بر عکاس مستند، خود را فعال سیاسی اجتماعی می داند و عکسهای او نه تنها تعدادی از تاثیر گذارترین چهره های تاریخ معاصر، بلکه مقاطع سرنوشت سازی در زندگی آنان را ثبت کرده است. دیوید بویی و "باستر کیتون" از قهرمانان او هستند. شاپیرو برای گرفتن عکسهای پشت صحنه فیلم "پدرخوانده" استخدام شده بود. وی می گوید مارلون براندو ۴۷ سال بیشتر نداشت که در نقش پدرخوانده بازی می کرد.

نمایشگاه عکس های کاوه گلستان

هفتاد و هفت قطعه از مجموعه های مختلف: انقلاب، جنگ، کارگر، روسپی، کردستان و... از کارهای کاوه گلستان که مجموعه چاپهای دستی، پولاروید و ویدیوهای او است، به نمایش گذاشته شده است.

بنیاد کاوه گلستان با همکاری گالری شیرین به مناسبت شصت و ششمین سال تولد این عکاس و مستندساز مبتکر این گالری است که در ۱۳ فروردین ۱۳۸۲ هنگام تصویربرداری از جنگ برای شبکه خبری بی بی سی در شهر مرزی کفری در ۱۳۰ کیلومتری کرکوک عراق، در اثر انفجار مین کشته شد.

کیوان کریمی، برگزار کننده این نمایشگاه می گوید: "آنچه در این نمایشگاه دو روزه می بینیم، انتخابی از عکسهایی است که توسط خود کاوه چاپ شده و در همان اتاقک کوچک ظاهر شده است."

کتاب و ادبیات.....

جایزه ادبی باخمن ۲۰۱۶ به شارون دودوا

اتو داده شد

"شارون دودوا اتو"، رمان نویس بریتانیایی - غنایی با رمان خود (به زبان آلمانی) به عنوان "آقای گروتروپ" می نشیند "برنده جایزه ادبی ۲۵ هزار یورویی "اینگه بورگ باخمن" در سال ۲۰۱۶ شد.

این نویسنده در حال حاضر ساکن برلین است و در کتاب خود به سبک طنزآمیزی زندگی روزمره آلمانیها را به تصویر می کشد.

۱۴ شرکت کننده در این رقابت ادبی سه روزه در "وورترزه" اتریش، برای دریافت این جایزه و نیز سه جایزه دیگر شرکت کرده بودند. در پایان چهلمین سالگرد "روز ادبیات آلمانی زبان"، در مجموع چهار جایزه به ارزش ۴۹۵۰۰ یورو و نیز یک بورس تحصیلی نویسنده اهدا شد.

بقیه در صفحه ۱۳

اعتصاب غذا، از نرگس محمدی تا نسیم زرگران

زینت میرهاشمی



نامه زندانی مریم نقاش زرگران:

کلاغان دزد که ایران را از ما ربوده‌اند، هرگز نمی‌توانند خوب باشند

نرگس محمدی از روز دوشنبه ۷ تیر دست به اعتصاب غذا زد. خواسته نرگس محمدی بسیار ساده است. او به این که مزدوران ولی فقیه اجازه نمی دهند با فرزندانش تلفنی صحبت کند اعتراض دارد. در رابطه با این اعتصاب غذا عفو بین الملل خواستار آزادی بدون قید و شرط این مدافع حقوق بشر و برخورداری وی از حق ارتباط با فرزندانش شد.

با گذشت دو هفته از این اعتصاب غذا، خانم عذرا بازگان مادر نرگس محمدی در نامه ای به حسن روحانی نوشت: «آقای روحانی! در این سرزمین مادر بودن جرم بزرگی است. چرا که دخترم در اعتراض به انکار مادرانگی خود و هم‌بندانش حتی از غذا خوردن هم دست کشیده است. کدام قانون و کدام شرع و دین اجازه می دهد در سرزمینی زنان و مادران را به زندان افکنند و از شنیدن صدای فرزندانشان محروم کنند؟»

عدم رسیدگی رژیم به خواست ساده نرگس محمدی موجی از خشم و اعتراض را در سراسر جهان برانگیخته است. مریم (نسیم) نقاش زرگران که خود زندانی است از روز سه شنبه ۱۵ تیر در حمایت از نرگس محمدی اعتصاب غذای چهار روزه ای را آغاز کرد و از روز شنبه ۱۹ تیر با خواست «آزادی بی قید و شرط» به اعتصاب غذای خود ادامه داد. به گزارش هرانا، در روز یکشنبه ۲۰ تیر این زندانی عقیدتی در نامه ای با عنوان «وقتش رسیده که سکوت سه ساله ام را بشکنم» از روند بازداشتها و بازجوییهای غیرقانونی سخن گفته و بر تداوم بی عدالتی در مورد پرونده اش و ادامه اعتصاب غذایش تاکید کرده است. وی در پایان نامه اش که با امضای نسیم زرگران منتشر شده می نویسد: «من این همه بی ادبی و بی عدالتی و بی تفاوتی را نمی پذیرم و اعتراضم را در اعتصاب تا جایی که زنده هستم ادامه می دهم.»

نسیم زرگران همچنین در یک قطعه ادبی با عنوان «کلاغ» که توسط هرانا منتشر شده، از تجربیاتش در زندان می گوید. در پایان این قطعه ادبی وی می نویسد: «اما قناریها، قانون زندان را نمی پسندند و ترجیح می دهند دور بایستند و لانه‌های شان را در جایی امن، دور از چشم کلاغان بسازند و گاهی برای آرامش ما صدای شان را برایمان هدیه می آورند که به خاطر بیابوریم آن سوی دیوارها زندگی جاریست و زیبایی و عشق انتظارمان را می‌کشد.» نرگس محمدی و نسیم زرگران تنها نیستند. پژواک صدای آنها که برای حق زیستن آزاد دربندند، خواب مزدوران خامنه ای را آشفته می کند.

فراسوی خیر چهارشنبه ۲۳ تیر



وزارت ارشاد: دیگر هیچ کنسرتی لغو نمی شود!

برگزاری کنسرت در تهران و شهرستانها مدتهاست که با موانع گوناگونی روبروست. اگرچه وزارت ارشاد می گوید متولی و مسوول اصلی حوزه فرهنگ و هنر، وزارت ارشاد است، اما قوه قضاییه و اداره اماکن نیروی انتظامی در تهران و شورای تامین در شهرستانها بارها کنسرتهایی که از این اداره مجوز داشته اند را لغو کرده اند. اکنون بنا به گفته فرزاد طالبی، رییس دفتر موسیقی، ماده ۲۰ اداره اماکن نیروی انتظامی اصلاح و از این پس نیروی انتظامی فقط درباره مسایل انتظامی و ترافیکی کنسرتها اظهارنظر خواهد کرد.

نیروی انتظامی تکذیب کرد: تغییری در مجوز کنسرت نداشتیم

تنها چند روز پس از ادعای وزارت ارشاد در مورد عدم دخالت نیروی انتظامی در صدور مجوز کنسرتها، پاسدار سعید منتظرالمهدی گفت: «هیچ مصوبه جدیدی در رابطه با تغییر مسوولیت صدور مجوز کنسرتها موسیقی تاکنون ابلاغ نشده است.» چندی پیش، سندی منتشر شد که طبق ابلاغیه ۲۰ تیر ماه اسحاق جهانگیری، معاون اول رییس جمهور، به وزارت کشور، اعلام شده است که حسب تصمیم هیات وزیران و با اصلاح آیین نامه اماکن عمومی مصوب دی ماه سال ۱۳۶۳، صدور مجوز برنامه های فرهنگی و هنری بر عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

تاتر....

نمایشی را درباره سلول انفرادی به روی

صحنه رفت

"سارا شورد" که در سال ۲۰۰۹ به هنگام کوهنوردی در عراق همراه دو شهروند آمریکایی دیگر، به طور تصادفی وارد خاک ایران شد و ۱۴ ماه را در زندان سپری کرد، نمایشنامه ای که به رنج زندان انفرادی می پردازد را روی صحنه برد. نمایشنامه "جعبه" این شهروند آمریکایی که ۴۱۰ روز را در زندان انفرادی در ایران به سر برده، در حال حاضر در سانفرانسیسکو بر روی صحنه است. خانم شورد برای درمان تنش روانی پس از این تجربه دردناک به ملاقات با زندانیان در ایالات متحده رفته و پس از گفتگو با آنان، اثرات ناگوار حبس انفرادی و شکنجه روانی ناشی را در این نمایشنامه منعکس کرده است.

رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۱۲

کاهش ۶ میلیونی تیراژ کتاب در سه ماهه اول سال ۹۵



بر اساس آماری از خانه کتاب، انتشار کتاب در سه ماهه نخست سال جاری بیشترین افت را در مقایسه با سالهای گذشته داشته است. همچنین افت دو هزار عنوانی در انتشار کتاب رکود و سقوطی کم سابقه داشته است.

تعداد کل کتابهای منتشر شده در سه ماهه نخست سال ۹۵ عدد ۱۴۲۲۲ را نشان می دهد. در همین مدت مشابه در سال گذشته بیش از ۱۶ هزار کتاب منتشر شده بود.

ریشه این مساله را مهدی شادکام که مدیر نشر ادبی "اقلیما" می باشد، در هزینه های بالای چاپ کتاب در ایران برشمارده است. اما با اینکه مردم توانایی خرید کتاب را ندارند، عوامل دیگری که مهمترین آنها سانسور و ممنوعیت است، نقش موثری در کم شدن علاقه مردم به خرید کتاب دارد.

موسیقی....

جایزه نجات میراث فرهنگی یونسکو به موسیقی دان افغان رسید



"احمد ناصر سرمست"، موسس و مسوول انستیتوی ملی موسیقی افغانستان جایزه "نجات میراث فرهنگی" سال ۲۰۱۶، مرکز عملی، فرهنگی و آموزشی سازمان ملل متحد (یونسکو) را به دست آورد. این جایزه به مناسبت دستاوردهای آقای سرمست در حوزه حفظ و احیا موسیقی سنتی افغانستان توسط وزیر فرهنگ ایتالیا به وی اهدا شد.

احمد ناصر سرمست همچنین برای رشد موسیقی در میان کودکان و نوجوانان تلاشهای زیادی کرده است. انستیتوی ملی موسیقی افغانستان اعلام کرده است که این جایزه به منظور قدردانی از شجاعت، اراده و تلاش چهره های فرهنگی جهان که برای حفظ و نگهداری هنر به عنوان میراث فرهنگی بشریت کار و تلاش می کنند، تعلق می گیرد.

چالشهای معلمان در تیر ماه

فرنگیس باقره

از سال بیکار هستند و فاقد هرگونه بیمه و حقوق در این مدت می باشند. معلم یکی از مدرسه های غیر دولتی در تبریز گفت: "تمامی معلمان مدارس غیردولتی در کشور از کمترین مزایا و حقوق برخوردارند و این درحالی است که همگی دارای مدرک لیسانس و فوق لیسانس هستند." وی تاکید کرد: "نیروهای آزاد غیر دولتی از جمله زحمتکش ترین نیروهای آموزش و پرورش محسوب می شوند که متأسفانه با توجه به دریافت حق الزحمه اندک، از داشتن کارت پرسنلی، حق بیمه و حتی به رسمیت شناختن در جامعه هم بی بهره اند. از مسوولان خواهشمندیم با توجه به خدمات بهینه این عزیزان، مراتب توجه خویش را به این قشر از معلمان نیز معطوف دارند."

۱۶ کانون صنفی معلمان مجوز برگزاری

مجمع عمومی دریافت کردند

ایرنا، ۱۴ تیر - مدیر کل سیاسی وزارت کشور و دبیر کمیسیون ماده ۱۰ احزاب گفت: "در آخرین جلسات این کمیسیون مصوب شد تا ۱۶ کانون صنفی معلمان که سالها بلا تکلیف بودند مجمع عمومی برگزار کنند." احمد امین رضازاده افزود: "بر اساس تصمیم کمیسیون ماده ۱۰ احزاب به این ۱۶ کانون صنفی رعایت قانون احزاب و جمعیتها داده شده و در حال حاضر فرایند اداری این کار در حال انجام است." وی گفت: "این ۱۶ کانون صنفی شامل کانون صنفی معلمان استان تهران، مجمع صنفی فرهنگیان استان ایلام، کانونهای صنفی مستقل فرهنگیان استان آذربایجان شرقی و تهران و کانونهای صنفی فرهنگیان استانهای لرستان، اصفهان، فارس، گلستان، زنجان، البرز، گیلان، کهگیلویه و بویراحمد، بوشهر، مازندران، خراسان رضوی و خراسان شمالی است."

فعال صنفی: مجوز برگزاری مجامع عمومی

برای همه کانونها صادر نشده



حقوق معلم و کارگر، ۱۴ تیر - محمد حبیبی، عضو کانون صنفی معلمان، در واکنش به اطلاعیه وزارت کشور مبنی بر صدور مجوز برای صدور مجوز برای شانزده مجموعه از کانون های صنفی معلمان می گوید این مجوز شامل حال همه تشکلهای نشده است. وی با اشاره به اینکه مجوز فعالیت همه کانونهای صنفی صادر نشده می گوید: "اینکه بیشتر کانونهای صنفی مجوز برگزاری مجامع را دریافت کرده اند، نباید مانع از این شود که این خواسته به حق را برای همه کانونهای سراسر کشور طلب کنند. بعضی از کانونهای صنفی که هنوز به ناحق مجوز برگزاری مجامع عمومی آنها صادر نشده، از کانونهای صنفی مهم با سابقه و تاثیر گذار کشوری هستند."

او با یادآوری یک دهه تلاش دولتهای مختلف به بهانه های مختلف و به صورت غیر قانونی برای جلوگیری از برگزاری مجامع عمومی و تغییر هیاتهای مدیره در کانونهای صنفی تاکید کرد: "یکی از بقیه در صفحه ۱۵

اخطار به ۶۰۰ معلم خبر داد. وی گفت: "تعداد ۶۳۴ معلم در سال ۱۳۹۴ در سراسر کشور اخطار دریافت کرده اند." او افزود: "حدود ۶ دهم درصد از تعداد فوق الذکر مرتکب تخلف بند یک (اعمال و رفتار خلاف شئون شغلی یا اداری) شده اند. مقام مزبور از علت صدور اخطار برای بقیه معلمان خودداری کرد."

تجمع تعدادی از معلمان مدارس غیردولتی

مشهد

مشهد پیام، ۵ تیر - جمعی از معلمان مدارس غیرانتفاعی مشهد با تجمع در پارک بانوان مشهد و ارسال دادنامه ای به رئیس جمهور، خواستار رسیدگی به وضعیت استخدام و حقوق اولیه خود شدند. در بخشهایی از نامه جمعی از معلمان مدارس غیر دولتی خطاب به حسن روحانی آمده است:

ما جمع کثیری از معلمان مدارس غیر دولتی کشور با تجربه تدریس ۱ تا ۲۰ سال که اکثریت قریب به اتفاق آموزش دیده و دارای تجربه می باشیم، با توجه به اینکه دارای حقوق و مزایای اندک و میانگین ۳۰۰ هزار تومان ماهیانه بوده و ۴ ماه از سال بیکار و مزید بر این در مدت ۴ ماه بیکاری خود هیچ بیمه و حقوقی نداریم و حتی در زمانهایی که کار می کنیم بیمه ای از ۲ تا ۱۵ روز در ماه را داریم و گاهی برخی همکاران بدون حتی یک روز بیمه مشغول به کار هستند، در صورتی که عمر و جوانی خود را در این مدارس می گذرانیم و همواره به علت نداشتن ثبات شغلی دارای دغدغه و اضطراب و فاقد هرگونه دلخوشی، همواره درهای آینده را به روی خود بسته و تارک می بینیم و به علت معضل بیکاری نمی توانیم هیچ کار دیگری را انجام دهیم و تنها بهره ای که از تحصیل نصیبمان شده جز توشه ای معنوی به نام کسب فضیلت نیست و از نظر معیشتی هیچ کمکی به این قشر زحمتکش ننموده است."

تجمع اعتراضی معلمان مدارس غیردولتی در

تبریز



ایسا، ۹ تیر - معلمان مدارس غیرانتفاعی در اعتراض به وجود مشکلات عمده در حقوق و بیمه، طی سه روز گذشته به صورت متوالی در پارک خاقانی تبریز گرد هم آمده و طوماری را با حضور حدود ۹۰ نفر به امضا رساندند تا از این طریق از نمایندگان مجلس شورای اسلامی بخواهند برای احقاق حق آنها اقدام کنند. در حالی که این روزها رقمهای نجومی حقوق برخی بلندپایگان صدای همه را در آورده، جمعی از معلمان مدارس غیرانتفاعی تبریز نیز همزمان با معلمان شهرهای دیگر کشور در نامه ای درمندان به روحانی و نمایندگان مجلس اعلام کردند که دارای حقوق و مزایای اندک و میانگین ۳۰۰ هزار تومان بوده، ۴ ماه

نیروی انتظامی: زنگ مقابله با جنگ نرم در مدارس ایجاد شود



ایلنا، ۱ تیر - معاون اجتماعی نیروی انتظامی با ارایه پیشنهاد ایجاد زنگ پلیس در مدرسه گفت: "نواختن این زنگ فرصتی است تا سربازان جنگ نرم، مربیان آموزش همگانی پلیس و حتی مسوولان به صورت نمادین بتوانند از پتانسیل عظیم مدرسه در راستای آموزش همگانی بهره لازم را ببرند."

سعید منتظرالمهدی در جلسه ای با موضوع "چگونگی بهره گیری از ظرفیتهای سازمانها در راستای پیشگیری از آسیبهای اجتماعی و ارتقای امنیت در جامعه" گفت: "فرایند کنترل و پیشگیری از آسیبهای اجتماعی در ایستگاه مدرسه به منته ظهور می رسد. آسیبها در هر جامعه ای وجود دارند و اجتناب ناپذیرند، اما مهم آن است که جوانان ما در مقابل این آسیبها مقاوم باشند و در مسیر درست زندگی گام بردارند."

معاون اجتماعی نیروی انتظامی یکی از اهداف مهم جامعه آموزشی ناچا را آموزش و پرورش دانست و بیان کرد: "به منظور گسترده تر کردن چتر آموزش همگانی باید کارها سازماندهی و اصولی تر و با برنامه ریزی بیشتری اجرا شود و پای پلیس به مدارس باز گردد و مهارتهای مقابله ای را به دانش آموزان بیاموزد."

تجمع معلمان پیش دبستانی و مهد

کودکهای ساری

کاسپین، ۲ تیر - تعداد بسیاری از معلمان پیش دبستانی و مربیان مهد کودکهای ساری به دلیل اعتراض به شرایط کاری و قراردادی در مقابل ساختمان اداره کل آموزش و پرورش مازندران تجمع و اعتراض دارند. با توجه به سابقه بیش از ۴ سال به بالا این معلمان امروز همانند سال گذشته برای تبدیل وضعیت خود مقابل اداره کل آموزش و پرورش تجمع کردند.

تعداد مربیان پیش دبستانی و مهدکودکهای شهرستان ساری هزار و ۲۰۰ تن است.

به گفته تجمع کنندگان باید طبق مصوبه مجلس از معلمان در قالب خرید خدمات آموزشی و مربیان پیش دبستانی به عنوان حق التدریس برای تدریس استفاده می کردند.

براساس این گزارش، ساعاتی پس از تجمع این معلمان، پلیس ۱۱۰ در محل تجمع حاضر شد اما تجمع مسالمت آمیز به پایان رسید.

اخطار آموزش و پرورش به صدها معلم

ایلنا، ۴ تیر - حجت الاسلام مصطفی ناصری زنجان، معاون پارلمانی و حقوقی وزارت آموزش و پرورش، از

چالشهای معلمان در تیر ماه

بقیه از صفحه ۱۴

شعارهای دولت جدید قبل از قرار گرفتن در مسند قدرت کمک به رشد نهادهای مدنی بود. الان فرصت خوبی است تا این شعارها به محک جدی زده شود. بزرگترین کمکی که از طرف مجموعه دولت می تواند صورت گیرد، عدم دخالت در روند برگزاری انتخابات هیاتهای مدیره است. وی برگزاری مجامع عمومی را "فرصتی طلایی برای بازسازی تشکیلاتی کانونهای صنفی" خواند.

برای چندمین بار معلمان بازنشسته مقابل مجلس تجمع کردند

ایلنا، ۲۲ تیر - جمعی از معلمان بازنشسته در اعتراض به وضعیت نابسامان معیشتی، در برابر مجلس شورای اسلامی تجمع کردند. تجمع کنندگان می گویند: "با وجود سالها خدمت در آموزش و پرورش و برعهده داشتن وظیفه تعلیم و تربیت فرزندان این سرزمین، مستمری ما بسیار پایین تر از خط فقر است." بازنشستگان آموزش و پرورش خواستار اعمال افزایش عادلانه مستمریها و اجرای قانون همسان سازی دریافتی بازنشستگان آموزش و پرورش با دیگر ارگانهای دولتی هستند. این چندمین تجمع اعتراضی فرهنگیان بازنشسته در ماه های اخیر است.

رسول بدایق بار دیگر به دادگاه احضار شد

حقوق معلم و کارگر، ۲۲ تیر - رسول بدایق این بار به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب احضار شد. نامبرده که باید در دوم مردادماه به شعبه ۱۰۳۳ قذوسی مراجعه می کرد، پیش از این تاریخ بایستی خود را به شعبه ی ۲۶ دادگاه انقلاب معرفی نماید. شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب علت حضور را مشخص نکرده است. مدیر دفتر شعبه مزبور علت احضار وی را اینگونه ذکر کرده است: "به عنوان متهم در وقت مقرر در دادگاه حاضر شوید."

برای چندمین بار معلمان بازنشسته مقابل مجلس تجمع کردند

حقوق معلم و کارگر، ۲۲ تیر - در پی فراخوان جمعی از معلمان شهرهای تهران، کرج و استان کهگیلویه و بویر احمد همچنین تعدادی از معلمان پیش دبستانی ساری و جمعی از معلمان شاغل در مقابل مجلس تجمع اعتراضی برگزار کردند. معلمان بازنشسته شعارهایی چون: "منزلت، معیشت حق مسلم ماست"، "بیخه رایگان حق مسلم ماست"، "حقوق ما ریالیه، کرم ما دلاریه"، "خط فقر سه میلیون حقوق ما یه میلیون"، "سی سال تدریس منزلت نداریم. سی سال تدریس معیشت نداریم"، "معلم بیدار است از تبعیض بیزار است، معلم بیدار است از اختلاس بیزار است" و "نظام هماهنگ اجرا باید گردد" در بنرها و پارچه نوشتهها و پلاکاردها حمل می کردند، در مقطعی همکاران معلم مقابل مجلس شعارهای مذکور را هم خوانی می کردند و به نوبت تکرار می کردند.

هماهنگی برای این تجمع از روزهای پیش از طریق شبکه های اجتماعی انجام شده بود. پیش از این نیز بارها بازنشستگان فرهنگی در اعتراض به وضعیت بد معیشتی خود تجمعات اعتراضی برپا کرده بودند که تا کنون این اعتراضات بی پاسخ مانده و مطالبات این

بازنشستگان که سالها به این سرزمین خدمت کرده اند، برآورده نشده است.

مدیران صندوق ذخیره فرهنگیان ۳۰ میلیون تومان حقوق می گیرند

ایلنا، ۲۴ تیر - عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس گفت: "رسیدگی به حقوق و مزایای مدیران، اعضای هیات مدیره و تمامی بخشهای نظام اعم از دولتی، شبه دولتی، غیردولتی و بخشهای عمومی دولتی امری ضروری است." درحالی که حقوق معلمان و فرهنگیان کشور در بهترین حالت به دو میلیون تومان در ماه نیز نمی رسد، صندوق ذخیره فرهنگیان بیش از ۳۰ میلیون تومان به مدیران خود پرداخت می کند.

تجمع دگرباره معلمان حق التدریسی

خبرگزاری مجلس، ۲۷ تیر - جمعی از معلمان حق التدریسی در اعتراض به بالاترکلیفی استخدامی مقابل مجلس تجمع کردند. یکی از معلمان حق التدریسی تجمع کننده در مقابل مجلس با انتقاد از وضعیت استخدامی گفت: حقوقی که به معلمان حق التدریسی پرداخت می شود، حتی کفاف هزینه رفت و آمد آنها را ندارد و اکنون پس از سالها فعالیت در آموزش و پرورش در یک نهاد و ارگان دیگر نمی توانند فعالیت کنند، بنابراین باید در اسرع وقت در آموزش استخدام شوند.

تجمع دوباره معلمان حق التدریس مقابل مجلس

خبرگزاری مجلس، ۲۹ تیر - جمعی از معلمان حق التدریس در اعتراض به عدم استخدام شان از سوی وزارت آموزش و پرورش، مقابل مجلس تجمع کردند. تجمع کنندگان که از شهرهای لرستان، کرمانشاه، آذربایجان غربی و دیگر استانها بودند دارای سابقه کار ۸ تا ۱۰ سال و مدارک تحصیلی فوق دیپلم و لیسانس هستند که هنوز نسبت به استخدام آنها اقدامی صورت نگرفته است.

گفتنی است؛ سال گذشته نیز تعداد زیادی از معلمان حق التدریسی مقابل مجلس تجمع کردند و نمایندگان برای پیگیری مطالبات آنها طرحی یک فوریتی تهیه کردند تا وضعیت استخدامی معلمان حق التدریس و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در کمیسیون آموزش و تحقیقات و کمیسیون اجتماعی مجلس مورد بررسی قرار گیرد، اما این طرح هنوز در دست بررسی است.

سومین روز از تجمع آموزش دهندگان نهضت سوادآموزی از سراسر کشور مقابل مجلس

ایلنا، ۳۰ تیر - برای سومین روز متوالی آموزش دهندگان نهضت سوادآموزی مقابل مجلس تجمع کردند. این تجمع کنندگان که از استانهای مختلفی از جمله یزد، لرستان و کرمانشاه به تهران آمده اند، خواستار روشن شدن وضعیت استخدامی خود و توجه نمایندگان مجلس به وضعیت شغلی نابسامان شان هستند.

تجمع کنندگان می گویند در روزهای گذشته موفق شده اند با تعدادی از نمایندگان مجلس دیدار داشته باشند و این نمایندگان وعده داده اند که پیگیر وضعیت شغلی آنها باشند. یکی از این تجمع کنندگان با بیان این مطلب که امیدواریم این وعده ها مشابه وعده هایی نباشد که نمایندگان مجلس نهم دادند و هرگز اجرایی نشد،

گفت: "بیشتر این تجمع کنندگان خانم هستند و در گرمای سخت تابستان سه روز است که مقابل مجلس به انتظار نشسته اند تا گوش شنوایی برای بیان مطالبات خود بیابند."

یکی دیگر از این تجمع کنندگان می گویند: "حتی وضعیت شغلی حق التدریسی ما نیز به سامان و قانونمند نیست و غالباً با تعویقهای طولانی در پرداخت حق الزحمه خود روبرو هستیم. ما مصراً خواستار جذب در آموزش و پرورش و استخدام رسمی هستیم." از قرار معلوم، این معترضان برای اسکان در تهران با مشکل مواجهند و دو شب گذشته را با سختی سپری کرده اند.

خواسته این آموزش دهندگان که سالها سابقه کار بدون بیمه و قرارداد دارند، جذب به صورت حق التدریسی در آموزش و پرورش است.

مدیر عامل صندوق ذخیره فرهنگیان: حقوق مدیران شرکتهای مان زیر ۲۱ میلیون تومان است



نسیم، ۳۰ تیر - مدیر عامل صندوق ذخیره فرهنگیان اعلام داشت که حقوق دریافتی مدیران عامل شرکتهای پتروشیمی تحت پوشش این صندوق بیش از ۲۱ میلیون تومان در ماه نیست.

شهاب الدین غندالی تصریح کرد که فعالیت در شرکتهای پتروشیمی در عسلویه امری طلاق فرسا و کشنده است، بنابراین حقوق آنها با مدیر عامل شرکتی که در تهران و زیر باد کولر فعالیت می کند، باید متفاوت است.

غندال افزود که حقوق دریافتی مدیران شرکتهای پتروشیمی وابسته به صندوق ذخیره فرهنگیان دستکم ۵۰ درصد کمتر از حقوق مدیران عامل سایر شرکتهای پتروشیمی دیگر است. وی اضافه کرد که حقوق دیگر مدیران عامل شرکتهای پتروشیمی بالای ۳۰ میلیون تومان در ماه است.

مدیرعامل صندوق ذخیره فرهنگیان گفت که در حال اعضای هیات مدیره شرکتهای فقط از یک شرکت پاداش دریافت می کنند.

وی تاکید کرد که در سال ۹۴ پاداش هیات مدیره صندوق به صفر ریال رسیده که این ماجرا مربوط به قبل از جریان فیشهای حقوقی است. به گفته وی، هیات مدیره شرکتهای زیر مجموعه صندوق هم در سال ۹۴ نسبت به سال ۹۳ حدود ۵۰ درصد کمتر پاداش دریافت کرده اند.

تجمع سریالی آموزشیاران و معلمان پیش دبستانی مقابل مجلس

خبرگزاری مجلس، ۳۰ تیر - جمعی از آموزشیاران نهضت سوادآموزی و معلمان پیش دبستانی برای تعیین تکلیف وضعیت استخدامی خود برای چندمین بار مقابل مجلس رژیم تجمع کردند. تجمع کنندگان که از آموزشیاران و معلمان پیش دبستانی استانهای مختلف بودند، خواستار پیگیری پرداخت مطالبات معوق و توجه به وضعیت استخدامی خود از سوی نمایندگان شدند. آموزشیاران نهضت سوادآموزی و معلمان پیش دبستانی از روز یکشنبه ۲۷ تیر مقابل مجلس تجمع کردند.

سرود های اعدامی



فرمان قتل عام توسط خمینی

متن فرمان قتل عام زندانیان سیاسی ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

از آنجا که منافقین خائن به هیچ وجه به اسلام معتقد نبوده و هر چه می‌گویند از روی حيله و نفاق آنهاست و به اقرار سران آنها از اسلام ارتداد پیدا کرده‌اند، و با توجه به محاربه بودن آنها و جنگهای کلاسیک آنها در شمال و غرب و جنوب کشور با همکاریهای حزب بعث عراق و نیز جاسوسی آنان برای صدام علیه ملت مسلمان ما، و با توجه به ارتباط آنان با استکبار جهانی و ضربات ناجوانمردانه آنان از ابتدای تشکیل نظام جمهوری اسلامی تاکنون، کسانی که در زندانهای سراسر کشور بر سر موضع نفاق خود پافشاری کرده و می‌کنند محارب و محکوم به اعدام می‌باشند و تشخیص موضوع نیز در تهران با رای اکثریت آقایان حجه الاسلام نیری دامت افاضاته (قاضی شرع) و جناب آقای اشراقی (دادستان تهران) و نماینده‌ای از وزارت اطلاعات می‌باشد، اگر چه احتیاط در اجتماعات، و همین طور در زندانهای مراکز استان کشور رای اکثریت آقایان قاضی شرع، دادستانانقلاب و یا دادیار و نماینده وزارت اطلاعات لازم‌الاتباع می‌باشد، رحم بر محاربینساده‌اندیشی است، قاطعیت اسلام در برابر دشمنان خدا از اصول تردیدناپذیر نظام اسلامی است، امیدوارم با خشم و کینه انقلابی خود نسبت به دشمنان اسلام رضایت خداوند متعال را جلب نمایید، آقایانی که تشخیص موضوع به عهده آنان است وسوسه و شک و تردید نکنند و سعی کنند [اشداء علی الکفار] باشند. تردید در مسائل قضائی اسلام انقلابی‌نادیده گرفتن خون پاک و مطهر شهدا می‌باشد. والسلام.

در سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی تابستان ۶۷

م. وحیدی (م. صبح)

ای هم‌رمز، ای هم‌راز، ای هم‌قصه!
ای دوست، ای رفیق، ای زندانی!
ای آوازهای چاک چاک کبود لگد مال بی خریدار!
ای واژگونه از سقف سیاه تلخ بی تقوا!
با زنجیرهای دریده خشک نفسگیر آیات کنکاش
ما
دست در دستان تو
با ستارگان بی شمار آسمانهای صمیمی
چشمه زاران پر تپش کوهساران سبز را
می خوانیم

در شعر ناب نفسهاتان

- وقتی که درهم تکثیر می شویم -

تصویرهای اساطیری پندارتان

چگونه بی تابانه می دود

در پی اندام بی روح زمان؟

و شب

در توفش سایه ها

چگونه به پرواز می آید؟

در گور شبانه حماقت

شکفت

آذرخش تند خیز فریادتان

با آونگ عربان " نه "!

شما

ای رسولان امیدهای خرد بی پناه من!

زخم سینه سربی تان

در حجم شورش باد و باد بانان

پوشش قوافی ابرهاست

گر گرفته

که از هر قطره اش

دریا می گذرد

هنوز این سرزمین خسته

ترانه ساز خواب های پاره پاره شماس

که نهال کوچک عشق را

شکوفایید

ستارگان شب خیز

در تلاطم شاخه های مرطوب

صبحی دیگر را

به انتظار نشسته اند

آسمان بدون آفتاب

در سوک احمد شاملو

م. وحیدی (م. صبح)

دریغا!

آن که روشن ترین سرود بود

در میانه میدان

با نفسهای مس و آهن

و ذکاوت آفتاب

روز را

تاب نیورد

تا سایه بلندش را

در آمد و شد ثانیه ها

تکرار کند

سر در خاکستر داغ فرو می برم

تا آیین زخمهایم را

بر شیشه های پاییزی

بنویسم

ای شعر ژرف زمانه!

رونق باغهای سبز سودایی!

که برکه ها و دریاها را

از گریزگاه عطش

به جانب آبی ها بردی

برای کبوتران قصه هایت

هر صبح دانه خواهیم پاشید

و رنگین کمان رویاهایت را

بر دستها

به اهتزاز خواهیم گرفت

نامت

حسرت است

در گرداگرد خالی صداها

و نعره ها

زمین تو را می شنود

و باران و ابر

بسیاری تو را

بر سرگردانی دشتهای تشنه

می بارند



اجلاس میان‌دوره ای شورای ملی مقاومت ایران اطلاعیه دبیرخانه شورا

نماینده‌ی شورا

از محکومیت جاسوس اطلاعات

در آلمان استقبال و به محاکمه

و اخراج سایر جاسوسان فرا می خواند

مقاومت ایران از محکوم شدن یک عامل وزارت اطلاعات رژیم ایران به خاطر جاسوسی علیه سازمان مجاهدین و شورای ملی مقاومت ایران استقبال می کند و از دولت آلمان و همه کشورهای اروپایی می خواهد به فعالیت‌های عوامل وزارت اطلاعات در خاک خود خاتمه داده و آنها را محاکمه، مجازات و اخراج کنند.

محاکمه میثم پناهی و دیگر جاسوسان رژیم ایران در آلمان لازمه تامین امنیت مخالفان و اعضا و هواداران مقاومت ایران است که قربانیان دیکتاتوری مذهبی حاکم بر ایران هستند. این یک اقدام لازم اما کافی نیست، شبکه جاسوسان رژیم در کشورهای خارجی، همچنان که مسئولان این شبکه در سفارتخانه های رژیم در کشورهای مختلف باید محاکمه، مجازات و از این کشورهای اخراج شوند.

آخوند علوی وزیر اطلاعات آخوندها که این شبکه زیر نظر او اداره می شود نیز باید در مقابل عدالت قرار گیرد. هنوز اکثر اعضای افشا شده اطلاعات که اسناد همکاری آنها با مافیای ترور و جاسوسی رژیم ایران موجود است، آزادانه در اروپا و به خصوص آلمان به جاسوسی و همکاری با وزارت اطلاعات مشغولند.

میثم پناهی طبق اسناد فاش شده در دادگاه حداقل سه سال به عنوان جاسوس خدمت کرده و حداقل ۳۰ بار از یکی از افسران ارشد وزارت اطلاعات به نام سجاد جمعا به مبلغ ۲۸۶۰۰ یورو دریافت کرده است. علاوه بر این وی به عضوگیری برای شبکه جاسوسی وزارت اطلاعات اشتغال داشته است. او همچنین اعتراف کرده که اطلاعات حساس اشرف و لیبرتی در عراق، محل استقرار هزاران تن از اعضای مجاهدین، را در اختیار سجاد قرار داده است.

بنا به اظهارات شهود و مدارک افشا شده در دادگاه که با گزارشهای اداره حراست از قانون اساسی منطبق است، وزارت اطلاعات رژیم ایران در آلمان با ایجاد شبکه های سرویس مخفی اقدام به جاسوسی و همینطور پخش اطلاعات غلط جهت برای بی اعتبار ساختن مقاومت ایران می کند. ثقل این فعالیتها روی NCRI و PMOI به عنوان اپوزیسیون اصلی رژیم متمرکز می باشد.

دادگاه نشان داده است که افراد عضوگیری شده توسط اطلاعات در هتل مهاجر در بغداد و یا در ایران، با سوء استفاده از موقعیت پناهندگی، اقامت خود در آلمان را تضمین کرده و سپس در کشورهای اروپایی در ازای دریافت پول برای اطلاعات آخوندی کار می کنند. این افراد با پشتیبانی سفارت‌های رژیم ایران برای دریافت آموزش و توجیهات راهی ایران می شوند. آنها مزد خود را نقد و یا از طریق سرویسهای انتقال پول وسترن یونیون دریافت می کنند. طبق اسناد دادگاه میثم پناهی علیرغم پناهنده بودن مخفیانه به ایران سفر کرده و آموزشهای جاسوسی گرفته است.

بنا به اعتراف پناهی وزارت اطلاعات این مزدوران را به طور ویژه در مورد تاسیسات و ساکنان اشرف و لیبرتی تخلیه می کند. این کمیها در فاصله ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۶ حداقل ۸ بار هدف حملات نظامی و موشک باران قرار گرفتند که ۱۴۱ تن کشته و بیش از ۱۴۰۰ مجروح بجا گذاشته است. تروریستها و شبه نظامیان وابسته به رژیم ایران از آن اطلاعات برای نابودسازی پناهندگان ایرانی عضو مقاومت در این دو کمپ استفاده کرده اند. کسانی که با رژیم آخوندی همکاری اطلاعاتی کرده اند شریک جرم در این جنایات محسوب می شوند.

نماینده‌ی شورای ملی مقاومت ایران - آلمان

۲۹ تیر ۱۳۹۵ (۱۹ ژوئیه ۲۰۱۶)

اجلاس شورا در بررسی سیاست صدور تروریسم و مداخلات همه جانبه خامنه ای در سوریه و عراق و یمن نتیجه گیری کرد که حاکمیت آخوندی به رغم گسیل بی سابقه پاسداران و نیروهای نظامی و شبه نظامی به سوریه و به هدر دادن سرمایه های مردم ایران در جنگ علیه مردم سوریه، قادر به نجات دیکتاتور دمشق و تضمین «عمق استراتژیکی نظام ولایت فقیه»، نیست، بلکه هر روز بیشتر در باتلاق سوریه فرو می رود.

اجلاس شورا، ضمن قدر دانی از خانم رجوی در برگزاری شب همبستگی با مردم و مقاومت سوریه و محکوم کردن جنایات تروریستی داعش در فرانسه و دیگر کشورها، همدستی خامنه ای در کشتار بیش از ۵۰۰ هزار تن از مردم سوریه و آوارگی بیش از نیمی از مردم این کشور و هم چنین نقش رژیم در ترویج فرقه گرایبی و به حاشیه راندن جمعیت اهل تسنن در عراق را زمینه ساز اصلی پیدایش و گسترش داعش دانست و تاکید کرد که خلع ید از رژیم آخوندها و اخراج تمامی پاسداران و شبه نظامیان این رژیم از سوریه و عراق، شرط ضروری برای حل بحرانی است که صلح و آرامش را در منطقه و بخشهای وسیعی از جهان به خطر انداخته است.

اجلاس شورا در بررسی نتایج انتخابات مجلس و خبرگان ارتجاع، نتیجه گیری کرد که این نمایش البته تشنه و تکانه‌های شدیدی در درون حاکمیت داشت، اما هیچ برنده بی در درون نظام نداشت و هر دو جناح نظام ولایت فقیه کیفی ضعیفتر و فرسوده تر از آن خارج شده اند؛ از یک سو، خامنه ای با عوارض سرکشیدن جرعه زهر تحمیلی در پروژه ساختن بمب اتمی و تلفات و خسارتها و شکستهای بزرگ در مداخلات منطقه بی مواجه است، و از سوی دیگر باند روحانی-رفسنجانی، سه سال بعد از شراکت در قدرت و یک سال پس از توافق اتمی، هیچ پاسخی برای برون رفت رژیم از گرداب بحرانشنا ندارد. از دعاوی «اعتدال» این باند، جز اعدامهای فزاینده و تشدید سرکوب و خفقان و از آنهمه هیاهو در مورد مزایای توافق اتمی، هیچ چیز نصیب مردم ایران نشده است. فساد و تبهکاری و بی قانونی تار و پود این رژیم را فرا گرفته و به رغم لغو بسیاری از تحریمها، هیچ چشم اندازی برای خروج از گرداب تورم و رکود و بیکاری وجود ندارد. این وضعیت، شگفه و بحران درون حاکمیت و حرکت‌های اعتراضی و خشم اجتماعی را بیش از پیش تشدید می کند.

اجلاس شورا حمله موشکی به لیبرتی در آستانه گردهمایی بزرگ ایرانیان و استمرار محاصره ضد انسانی و زمینه سازبهای جنایتکارانه علیه مجاهدان آزادی را قویا محکوم کرد و ضمن یادآوری تعهدات مکتوب آمریکا و ملل متحد، خواستار تضمین حفاظت و سلامت ساکنان لیبرتی تا انتقال همه آنها به خارج از عراق شد.

در نخستین روز اجلاس میان‌دوره ای شورا و در جریان بحث‌های پیش از دستور، شماری از هموطنان و نمایندگان جوامع ایرانی و همپیمانان شورای ملی مقاومت شرکت داشتند.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران

۲۷ تیر ۱۳۹۵

اجلاس میان‌دوره ای شورای ملی مقاومت در روزهای ۲۵ و ۲۶ تیرماه با حضور رئیس جمهور برگزیده شورا برگزار شد.

خانم رجوی در سخنان افتتاحیه خود، به اعضای شورا و ناظرانی که در نخستین روز اجلاس شرکت داشتند خوش آمد گفت و ضمن گرامیداشت سالگرد قیام ملی ۳۰ تیر ۱۳۳۱ در حمایت از مصدق بزرگ و سالگرد تأسیس شورا در ۳۰ تیر ۱۳۶۰، درباره حرکت‌های اعتراضی جامعه به ستوه آمده از چپاول و سرکوب، گفت: اعتراضات کارگران، معلمان، زنان، جوانان و هموطنان آذری، کرد، عرب و بلوچ و لر و به ویژه اعتصاب غذا و مقاومت‌های شجاعانه زندانیان سیاسی، بیانگر عزم راسخ مردمی برای سرنگونی استبداد دینی و اعتدالی «مقاومت به هر قیمت» برای کسب آزادی است.

تجربه یکسال پس از توافق اتمی و سه سال پس از روی کار آمدن روحانی، به طور خلاصه عبارت است از: رکود عمیق اقتصادی، تشدید معضلات سیاسی و اجتماعی، شکست هر دو جناح حاکمیت و بحران همه جانبه رژیم ولایت فقیه که پس از انتخابات مجلس و خبرگان ارتجاع، عمیق تر شده است.

خانم رجوی افزود، عکس العمل‌های هراس آلود و مستاصلانه سردمداران رژیم نسبت به گردهمایی سالانه مقاومت بیش از همیشه شکنندگی رژیم را در برابر نارضایتی فزاینده مردم ایران و در برابر مقاومت سازمانیافته و آلترناتیو دموکراتیک آشکار می کند.

اجلاس شورا در بحث‌های پیش از دستور، برگزاری گردهمایی سالانه مقاومت در ۱۹ تیرماه را به سازماندهندگان و دست‌اندرکاران و به عموم مردم ایران تبریک گفت و تاکید کرد که این گردهمایی خواست میرم و همگانی برای سرنگونی فاشیسم دینی حاکم و استقرار دموکراسی و حاکمیت ملت ایران را به نمایش گذاشت؛ شعار و خواستی که مقامات و نمایندگان جامعه جهانی-از آمریکا و اروپا تا خاورمیانه و همسایگانمان که در گردهمایی شرکت داشتند- حول آن اتفاق نظر داشتند و آن را نه فقط خواست مردم ایران، بلکه کلید خلاصی منطقه و جهان از بحرانهایی توصیف کردند که رژیم ولایت فقیه هم کانون مولد و هم عامل تشدیدکننده آن است. هم از این رو بود که سخنرانیهایی این گردهمایی را به نحوی موفق آن، غیظ رژیم ولایت فقیه را به نحوی بی سابقه، بر انگیخت و بسیاری از ناظران و رسانه ها گفتند و نوشتند که گردهمایی مقاومت ایران صحنه سیاسی و تعادل رژیم را برهم زده و بر آن زلزله افکنده است.

اعضای شورا تأکید کردند که گردهمایی بزرگ مقاومت ایران با حضور بیش از ۵۷۰ تن از شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی و مذهبی و میهمانانی از ۸۱ کشور در ۵ قاره جهان با گرایشهای متنوع سیاسی، بار دیگر نشان داد که مقاومت ایران، به دلیل ریشه های اجتماعی و بیش از سه دهه پایداری در برابر این رژیم، تنها راه حل کارساز و آزموده در مقابله با بانکدار مرکزی و پدرخوانده تروریسم و بنیادگرایی در جهان امروز است.

زنان در مسیر رهایی

اسد طاهری

یک فعال دیگر زن در پاسخ به سوال این خبرنگاری در این باره گفته است: "ما موضوع را از نزدیک دنبال کردیم و من ناامیدانه باید بگویم به رغم ادعای فدراسیون بین المللی والیبال درباره کسب اطمینان از فدراسیون والیبال ایران برای فروش بلیت به زنان، اما بلیتهای آنلایین این بازی تاکنون در اختیار زنان متقاضی نبوده است."

یادآور می شود در تصاویر زنده پخش شده از این بازی، قسمتی از ورزشگاه نشان داده شد که در آن زنان نشسته بودند، اما مشخص نیست که این تعداد تماشاچی زن به چه شیوه ای اجازه یافته اند بازی را از نزدیک تماشا کنند و هنوز مشخص نیست که این زنان از میهمانان ویژه (وی آی پی) فدراسیون والیبال بوده اند یا اینکه از چهره های برجسته عمومی بوده اند.

زنان تحصیلکرده، قربانی اصلی بیکاری در

ایران

خبرگزاری ایلنا، ۱۲ تیر - براساس نتایج آمارگیری نیروی کار در سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲، جمعیت فارغ التحصیلان بیکار بیش از دو برابر شده است. بیشترین سهم بیکاران فارغ التحصیل، به ترتیب مربوط به مدرک تحصیلی لیسانس، فوق دیپلم و فوق لیسانس و دکتری بوده است.

این سهم برای زنان روندی افزایشی داشته است؛ به طوری که از ۶۵ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۷۸ درصد در سال ۱۳۹۲ افزایش یافته است.

همچنین براساس نتایج استخراج شده، متوسط طول مدت بیکاری فارغ التحصیلان زن همواره از مردان فارغ التحصیل بیشتر است. طول مدت بیکاری مردان در سال ۱۳۹۲، ۲۰ ماه و برای زنان ۲۶ ماه بوده است.

قانون جدید جرایم جنسی در آلمان تصویب

شد



دوپچه وله/ رادیو زمانه، ۱۷ تیر - مجلس فدرال آلمان قانون جدید جرایم جنسی در این کشور را تصویب کرد. مبنای این قانون یک جمله است: "نه یعنی نه!" تصویب این قانون تأکیدی بر حق انتخاب و اختیار و تمایل فرد برای رابطه جنسی است.

نمایندگان مجلس فدرال آلمان موافقت کردند که از این پس هر تماس جنسی که برخلاف تمایل کسی انجام گیرد، ولو با مقاومت هم همراه نبوده باشد، تجاوز شمرده می شود.

بر مبنای این قانون جدید، زمانی که فرد با کلام یا حرکات خود نشان می دهد که تمایلی به رابطه جنسی

بقیه در صفحه ۱۹

آنقدر تعداد آن زیاد بوده که تبدیل به یک خبر شده است."

شهیندخت مولوردی با تأکید بر اینکه پدیده فروش کودکان تک عاملی نبوده و مجموعه ای از عوامل زنجیروار در کنار هم قرار می گیرند تا یک زن ناچار به فروش فرزندش شود، خاطرنشان کرد: "فقر اقتصادی، فقر فرهنگی، اعتیاد، کارتن خوابی و ازدواج کودکان از جمله عواملی هستند که می توانند باعث سوق دادن زنان به سمت فروش کودکان خود شود." وی تصریح کرد: "اگر بخواهیم پدیده فروش کودکان ادامه پیدا نکند، باید به مجموع این عوامل توجه کرده و آن را حل کنیم."

مولوردی درباره اقدامات معاونت زنان و امور خانواده در مورد ازدواج کودکان زیر ۱۸ سال گفت: "از وزیر دادگستری خواستیم گزارشی را در این خصوص به ما ارائه دهد که وزارت دادگستری نیز کار را به مرجع ملی حقوق کودک واگذار کرد."

زنان صدور اجازه حضور در استادیوم را

تکذیب می کنند



هرانا، ۱۰ تیر - فدراسیون بین المللی والیبال که مقر آن در سوییس است، در بیانیه ای از حضور زنان ایرانی در مسابقه دو تیم والیبال ایران و صربستان خبر داده است. این فدراسیون مدعی شده: "بر اساس اعلام فدراسیون والیبال ایران از مجموع ۵ هزار بلیت آنلایین اختصاص داده شده برای این بازی که در ۵ دقیقه به فروش رفته، ۴۴۶ بلیت به زنان اختصاص داده شده است."

فدراسیون بین المللی والیبال در بیانیه خود توصیف کرده "حضور زنان در ورزشگاه آزادی نخستین قدم از یک کارزار بلند مدت برای حضور تماشاچیان زن ایرانی در مسابقات والیبال است که فدراسیون بین المللی والیبال خود را به ادامه این روند متعهد می داند."

اما برخی فعالان زنان می گویند روش فروش بلیت این بازیها شفاف نبوده و زنانی که برای خرید آنلایین بلیت این بازی اقدام کرده اند، نتوانسته اند آن را خریداری کنند و خبرنگاری اسوشیتدپرس در گفت و گو با برخی از زنانی که تلاش کرده اند بلیت این بازی را بخرند، نوشته است خرید آنلایین بلیتهای این بازی برای زنان مقدور نبوده است.

یک زن ۳۲ ساله ایرانی که عضو یک کمپین رفع محدودیت ورود زنان به استادیومهای ورزشی ایران است، در این باره به اسوشیتدپرس گفت: "راستش را بخواهید وقتی بیانیه فدراسیون بین المللی والیبال را دیدم به این فکر کردم که اگر این فدراسیون پینوکیو بود دماغ آن از لوزان تا تهران دراز می شد. چرا آنها این قدر دروغ می گویند؟"

ممنوعیت ورود زنان دوچرخه سوار به یک

شهرستان



خبرگزاری مهر، ۳ تیر - دادستان عمومی و انقلاب شهرستان طرقبه شاندیز از کنترل و ممنوعیت ورود دوچرخه سواران "بدپوشش" به این شهرستان و برخورد با آنان خبر داد.

جواد شاکری با بیان اینکه تفرجگاه و تفریحگاه با عشرتکده متفاوت است، افزود: "افراد نباید تصور کنند هر کسی بخواهد عشرت کند به این منطقه بیاید. لذا خانمهایی تحت عنوان دوچرخه سوار با پوششهای نامناسب در مسیرهای طرقبه و شاندیز دیده می شدند، از ورودشان جلوگیری شد."

وی در واکنش به بازتاب منفی این اقدام گفت: "متأسفانه در فضای مجازی این مطلب به بدترین نحو ممکن اطلاع رسانی شد و انتظار می رفت که اصل خبر منتشر شود که با دوچرخه سواران بد پوشش برخورد می شود نه با همه کسانی که به امر ورزش و دوچرخه سواری سالم و با پوشش مناسب می پردازند."

شاکری با این حال تأکید کرد: "اینکه می گویند لباسم ورزشی است، توجیه خوبی نیست که خواهان ما با همان پوشش در خیابان حضور یابند. دوچرخه سواری اشکال ندارد، اما با پوشش متعارف و رعایت آن در منظر عموم مردم."

مقام دولتی: تعداد نوزادان فروخته شده در

شکم مادر زیاد است



ایلنا، ۵ تیر - معاون زنان و امور خانواده روحانی درباره فروش نوزادان توسط مادران با بیان اینکه امروز شاهد فروش نوزادان در شکم مادر و پیش از تولد هستیم، اظهار کرد: "اماری از تعداد این نوزادان نداریم، اما

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۸

ندارد و طرف مقابل بدون اعتنا به این عدم تمایل با او رابطه جنسی برقرار می‌کند، می‌توان از تجاوز جنسی سخن به میان آورد.

در حال حاضر، قربانیانی که تجاوز را به پلیس گزارش می‌کنند، نه تنها باید نشان دهند که به شکل شفاهی با برقراری رابطه جنسی مخالفت کرده اند، بلکه باید ثابت کنند به شکل فیزیکی هم در مقابل فرد متجاوز مقاومت کرده اند.

به گفته وزیر دادگستری آلمان، "هیکو ماس"، انتظار می‌رود این قانون جدید موقعیتهای واقعی را که بیشتر تجاوزها در آن اتفاق می‌افتد، پوشش دهد و نقاط ضعف آشکار قانون موجود را بپوشاند.

قانون جدید "دستمالی کردن" را هم جرم جنسی طبقه‌بندی می‌کند، گزارش تجاوز را آسان تر می‌کند و آزارگران جنسی مهاجر و خارجی را اخراج می‌کند.

قتل مدل پاکستانی پس از افشاگری علیه

مفتی مشهور



رسانه ها، ۲۶ تیر - قندیل بلوچ، مدل پاکستانی، که اخیرا تصاویر خود را با یک روحانی کشورش در رسانه های اجتماعی منتشر کرده بود، در شهر "ملتان" پاکستان به دست برادرش کشته شد.

برادر وی، "وسیم"، به کشتن خواهرش اعتراف کرده و گفته است که ابتدا به او داروی خواب‌آور داده و سپس او را خفه کرده است. روزنامه "دان" به نقل از پلیس گزارش داده که وسیم تصاویر منتشر شده خانم بلوچ با "مفتی عبدالقوی"، مفتی معروف پاکستانی، را یکی از دلایل خود برای قتل خواهرش عنوان کرده است.

خانم بلوچ از جامعه مردسالارانه پاکستان و نفوذ ریاکارانه دین در جامعه و سیاست به شدت انتقاد می‌کرد. او پیش از مرگ خود، عکسهایی افشاگرانه از ملاقاتش با مفتی عبدالقوی، مفتی مشهور پاکستان و عضو "شورای علمای" این کشور منتشر کرد که در

آن این دو در اتاقی در یک هتل در حال نوشیدن نوشیدنی و کشیدن سیگار در ماه رمضان دیده می‌شوند. بلوچ هدف خود از انتشار این تصاویر را ایجاد تعادل و موازنه میان سنتهای جامعه پاکستان و

رسانه های اجتماعی عنوان کرده بود. عبدالقوی اظهارات بلوچ را رد کرده و گفته بود که با او برای تبلیغ اسلام دیدار کرده و در این دیدار تنها روی مسایل دینی صحبت کرده است. پس از این، خانم بلوچ در یک مناظره تلویزیونی با مفتی عبدالقوی، شجاعانه به افشای وی پرداخت و با افشای رفتار و درخواستهای مبتذل وی موجب رسوایی بیشتر او شد.

مفتی عبدالقوی پیشتر سعی کرده بود تا هنرپیشه معروف پاکستانی، "وینا مالیک"، را به خاطر بازی در سریال "Big Brother" به چالش بکشد که با واکنش تند وی روبرو شد. این هنرپیشه به او گفته بود: "برو به موضوع عملیات انتحاری نوجوانان مسلمان برس. برو به سوواسفاده از کودکان در مدارس علمیه برس." این هنرپیشه بعد از محکوم شدن به ۲۶ سال زندان از سوی یک دادگاه "شریعت"، فرصت یافت تا به دبی فرار کند.

خانم بلوچ پس از افشاگریهای خود با تهدید به مرگ روبرو شد، اما دولت به تقاضاهای حفاظت امنیتی او ترتیب اثری نداد. به گفته روزنامه "دان"، سه هفته پیش از قتل وی، در این باره از مقامهای وزارت کشور و تعدادی دیگری از مقامهای ارشد کشور تقاضاهای مشابهی شده بود.

مدیریت کتابخانه کنگره آمریکا، در دست

زنان



فمینیسم روزانه، ۲۶ تیر - مجلس سنای آمریکا مدیریت دکتر "کارلا هیدن" بر کتابخانه کنگره آمریکا را تصویب کرد.

او اولین زن و اولین آمریکایی آفریقایی تباری است که تا کنون چنین پستی را بر عهده گرفته است. کارلا کتابدار سابق کتابخانه کودکان شیکاگو بود که توانست تا ریاست انجمن کتابخانه های آمریکا پیش برود و نظارت بر راه اندازی سامانه وسیع مجانی کتابخانه های عمومی بالتیمور را بر عهده بگیرد.

مجلس سنای آمریکا ریاست او را بر دومین کتابخانه بزرگ دنیا و همچنین قدیمی ترین نهاد دولت فدرال آمریکا تأیید کرد. او که ۶۹ سال سن دارد و دکترای خود را در رشته کتابداری از دانشگاه شیکاگو گرفته، به مدت ۱۰ سال عهده دار این پست خواهد بود.



یکسال پس از برجام،

نتیجه بی نتیجه

لیلا جدیدی

یکسال از برجام که منجر به از ریل خارج شدن قطار "بی دنده و ترمز" و پرهزینه هسته ای شد، می‌گذرد. در این فاصله، خامنه ای که فریبکارانه با "نرمش قهرمانانه" بزدلانه به زانو درآمده بود، برای شیره مالیدن بر سر باند خود دست به اقدامات تهدیدآمیزی زد و سراخر ژست گرفت "برجام را آتش می‌زنیم". در این یکسال، کسی هم به چشم خود شکوفایی اقتصادی که روحانی قولش را داده شده بود و مردم را منتظر آن نگه داشته بود، ندید.

روزنامه های هوادار دولت روحانی در حال و هوای یکسالگی برجام دلداری می‌دهند که "اگر تحریمها و انزوی اقتصادی و سیاسی باقی بود، چه مصیبتها رخ می‌داد". کسانی این حرف را می‌زنند که خود طی سالها صدایی در مخالفت با برنامه بمب اتم سازی بلند نکرده اند. رقیبان آنها به عکس نق می‌زنند که "برجام سبب عقب افتادگی کشور شده است".

اما ببینیم در واقع نتیجه پایان ماجراجوییهای هسته ای چیست؟ چگونه توافق هسته ای به جایی رسانده شده که بسیار از تحلیلگران آنرا "شکننده" توصیف کرده اند؟

تروریسم و طرفداری از شاخصهای تروریسم همچون حزب الله و حماس، حمایت از رژیم اسد با منابع مالی، انسانی و لجستیکی و راه انداختن جنجال موشکی تصویر دلنشینی برای بازیگران طرف مقابل نداشته است.

یک نتیجه دیگر برجام بی تاثیر بودن آن بر فشار پنجه وخامت اقتصادی بر گلوی مردم است. نرخ تورم در بالاترین رده های جهانی قرار دارد. رکود اقتصادی و نرخ تولید ناخالص، بیکاری و گرانی باوجود وعده های پوشالی روحانی و آزاد شدن میلیاردها دلار پابرجاست.

بارک اوباما در سخنان خود به مناسبت این روز گفت: "آمریکا همچنان با ایران اختلاف نظرهای جدی دارد، اما جهان امن تر شده است."

این درست که کوتاه شدن دست رژیم از سلاح هسته ای به نفع مردم ایران و سراسر جهان است، اما جمهوری اسلامی تصور می‌کند در سایه این عقب نشینی همه درها برای فعالیتهای مخرب دیگر باز شده است. در رد این تصور خام، به تازگی مجلس نمایندگان آمریکا سه طرح در باره "پاسخگو کردن ایران در قبال حمایت از تروریسم و نقض حقوق بشر"، "ممنوعیت فروش آب سنگین" و "محدودیت دسترسی به سیستم مالی آمریکا" تصویب کرد.

این در حالی است که حسن روحانی تهدید می‌کند هر کس برجام را نقض کند "بازنده سیاسی در صحنه بین المللی است". ظریف هشدار می‌دهد که "پیشرفت دور از دسترس قرار می‌گیرد"، خامنه گله از "بدعهدی و غیرقابل اعتماد بودن طرف مقابل" می‌کند و علی اکبر صالحی می‌گوید "احساس می‌کنم در حال زمینه چینی و پخت و پز علیه ما هستند و ما باید گوش به زنگ باشیم."

با این حال حرف آخر همین است که موگرینی زده است: "ایران برای کسب منافع ناشی از رفع تحریمها، باید موانع موجود اقتصادش را رفع کند."

مشکل این است که این موانع همان خونی است که در رگ رژیم جمهوری اسلامی و نظام ولایت فقیه در جریان است.

فراسوی خبر... شنبه ۲۶ تیر



پیروزی جعفر عظیم زاده

در نبرد نابرابر

زینت میرهاشمی

جعفر عظیم زاده، کارگر اعتصابی و فعال برای حقوق کارگران، روز پنجشنبه ۱۰ تیر در پی کسب مرخصی قابل تمدید به اعتصاب ۶۴ روزه خود پایان داد. جعفر عظیم زاده، دبیر هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران، فعال در تهیه طومار اعتراضی ۴۰ هزار نفره کارگران به مزد تعیین شده از طرف شورای عالی کار و دفاع از حقوق کارگران به ۶ سال زندان محکوم شده بود. این فعال سندیکایی، در اعتراض به وضعیت پرونده خود دست به اعتصاب غذای سخت و طولانی زد. وی علیرغم وضعیت وخیم جسمانی خود و بی‌اعتنایی مسئولان زندان و بایوران رژیم به مقاومت دلیرانه خود ادامه داد و موجی از حمایت جهانی و داخلی (معلمان، کارگران، فعالان اجتماعی و زندانیان سیاسی) را جلب کرد. گردهماییهای اعتراضی کارگران و معلمان در تهران و اعلام اعتصاب غذای فعالان کارگری و معلمان زندانی مانند رسول بدآغی، محمود بهشتی لنگرودی و اسماعیل عبدی همراه با ۱۸۲ تن دیگر از جعفر عظیم زاده، این حمایتها را وارد مرحله جدیدی کرد. این مرحله با اعتصاب غذای تعدادی از زندانیان سیاسی مقاوم مانند علی معزی و سعید شیرزاد در حمایت از جعفر عظیم زاده، تکمیل شد و پیروزی این فعال کارگری را به رژیم ضدبشری ولی فقیه تحمیل کرد.

دادستان رژیم در تهران، عباس جعفری دولت آبادی روز ۵ تیر در واکنش به اعتراض گسترده به عدم رسیدگی به خواستههای این فعال کارگری، گفت که «برای او هیچ کاری نمی‌کند حتی اگر بمیرد».

جعفر عظیم زاده دلیرانه اراده استوار خود را به پیروزی نشان داد و با تنی خسته اما عزمی استوار پیروز شد و همه آزادخواهان و به ویژه خانواده اش را شاد کرد. این پیروزی گوارای جعفر عظیم زاده، کارگران، معلمان و همه نیروهای کار و مدافعان حقوق بشر بود.

فراسوی خبر آدینه ۱۱ تیر



خیل خاموشان و گرسنگان و پابرهنگان، برای میلیونها کارگر و مزدبگیر، جانش را در طبق اخلاص گذاشت. و ما چه کردیم؟ چشمه‌ایمان را بستیم و همراه او فریاد نزدیم.

و چنین شد که مدعی العموم به همسر عظیم زاده می‌گوید: جعفر بمیرد هم اهمیتی ندارد. راست می‌گوید آن مدعی. کارگران بمیرند اهمیتی ندارد. چرا که کشتی کشتی اجناس چینی وارد کشور خواهد شد و نفت حراج شده سوهای هزار هزار میلیاردی نصیب طبقه ای خاص می‌کند که آنان شهروندان خودی و درجه یک و مهم هستند. راست می‌گوید مدعی. کسی که جیب و حلق و حلقوم خود و خانواده اش را از مال مفت پر کرده مهم است. صاحب معدن آق دره. سرمایه دار و دزد کلان و اختلاسگر مهم است و گرنه کارگر آق دره ای که باید شلاق بخورد تا بفهمد می‌بایست لال باشد و تقاضای نان نکند. معدنچی بافق باید در صف شلاق قرار گیرد تا بفهمد حق گفتن "نان من کو" ندارد. راست می‌گوید مدعی. باید شلاقی با ۸۰ میلیون رشته برداشت و به یکباره بر صورت ملت ایران کوبید تا بداند هر کلیدی نمی‌تواند قفل بسته ی زندگی سخت کارگران و مزدبگیران را باز کند. راست می‌گوید مدعی. جعفر باید بمیرد و من و تو و ما در بهت و حیرت لبه‌ایمان را بگزمیم و بر پشت دست بکوبیم. چشم بگردانیم و سر چهار راهها و کوچه ها و خیابانها، در گوشه گوشه این خاک پهناور، دست به گدایی برداریم شاید شانس بیآوریم و آقازاده ای سوار بر پورشه ای زرد یا قرمز از جلویمان رد شود و اسکناس هزار تومانی کف دستمان بگذارد. مثل یارانه ای که جلویمان پرت می‌کردند تا چرخ اختلاس بچرخد. هر چند آنها اصلا ما را نمی‌بینند. ما خیل عظیم خاموشان را گاز می‌دهند و دور می‌شوند تا به پارتیهای شان برسند که تحت حمایت نیرویی ست که شادی فرزندان ما را هم با شلاق پاسخ می‌دهد. آری جعفر نماینده ی تن تکیده و داغان شده ی ملت ایران است. هر چند استقامت بی نظیر او کجا و واماندگی ما کجا؟ اصرار بر احقاق حق او کجا و سکوت و وحشت درماندگی ما کجا؟ شجاعت او کجا و وحشت همیشگی ما از روز مبادا و راضی بودن به نان گدایی کجا؟ راست می‌گوید مدعی.

جعفر باید بمیرد تا بار دیگر اثبات شود که سرمایه بر خون پیروز است. ثابت شود که "خداوند سرنوشت هیچ ملتی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه..." خودتان در قران مجید بخوانید معنای آیه را. مگر در شب قدر قران به سر نمی‌گیرید؟ بخوانید تا کشف کنید رابطه ی بین تاریخ و سرمایه و فقر و کارگر و واژه ی تهی شده از معنای مستضعف و حقوق معوقه و دستمزد پایین و خط فقر و خط فلاکت و دسته کلید بی مصرف و ... اعتصاب غذا و مرگ و جعفر و عظمت مبارزه ای که می‌کند.

یادداشتی از شعله پاکروان درباره دیدار با زندانی سیاسی جعفر عظیم زاده

هشت روز است که جعفر عظیم زاده به بیمارستان منتقل شده است. دوبار به دیدنش رفتم. یک مشت پوست و استخوان دیدم. مردی کمتر از پنجاه سال سن اما صورتی پیر و تکیده. روی دستش لکه های کبود زیادی به چشم می‌خورد. سه سرباز از این یک مشت استخوان که نزدیک ۶۰ روز است لب بر غذا بسته مراقبت می‌کنند. از او خواستم برای زنده ماندنش اعتصابش را بشکنند. چشمهای ریزش برقی زد و با لبهای خشکش یک نه قاطع گفت. همسرش گفت به خدا چقدر گریه کردم که تکلیف ما چه می‌شود بی تو؟ هر کس به دیدارش آمد پند و اندرزش داد که راه رفته را بازگرد. اما پاسخ جعفر چیست؟ او می‌گوید: خواسته ی من شخصی نیست. کجای دنیا اعتراض یک کارگر به عدم پرداخت دستمزد و یا پایین بودنش را اقدام علیه امنیت ملی می‌گویند؟ اینکه بگویی سفره ام خالی ست، اینکه بگویی من کارگرم و با کمترین میزان دستمزد صورتم را با سیلی سرخ می‌کنم. اینکه بگویی مگر فرزندان ما آدم نیستند و نان نمی‌خورند؟ اینکه بگویی حقوقم را پرداخت کن جرم است؟ آیا نان خواستن جرم است؟

می‌گویم جان تو برای ملت ایران اهمیت دارد. تو فرزند مبارز این ملتی که برای احقاق حق صنفی جانت را به خطر انداختی. با این کار توجه یک ملت را به مساله دستمزدهای کارگران جلب کردی. با این اقدامات احترام جهان را برانگیختی. اکنون بشکن این اعتصاب تاریخی ات را. می‌گویند نمی‌توانم به سفره های خالی کارگران نگاه نکنم.

پسر ۱۲ ساله ی او با چشمهای نگران در اتاق حضور دارد. مادرش می‌گوید چند روز غذا نمی‌خورد و می‌گفت بابا گرسنه است من هم غذا نمی‌خورم. نگرانی در وجود این کودک و برادر ۲۰ ساله اش موج می‌زند. سربازان محافظ هم جوانانی ۱۸_۱۹ ساله اند، سکوت می‌کنم. نگاهم را به اتاق و شرایط خاص آن می‌دوزم. من یک مادرم. نگرانی مادران در مورد آینده ی فرزندان را درک می‌کنم. سربازان محافظ و سخت گیرهای بی‌موردشان نگاهم را روی صورتهای شان ثابت می‌کند. دقایقی از جهان حقیقی کنده شدم. در ذهنم با آنها سخن می‌گویم، با پسران عظیم زاده و آن سه سرباز:

کاش می‌دانستید که اکنون جعفر عظیم زاده؛ همین یک مشت پوست و استخوان، نمادی از پیکر نحیف و شلاق خورده ی کارگران و مزدبگیران است. کاش می‌دانستید که وقتی سربازتان تمام شود و کارت پایان خدمت بگیری به خیل کارگران خواهید پوست. تازه اگر شانس بیآورید و بتوانید به صورت قراردادی و بدون هیچ تضمینی برای ادامه ی کار شغلی دست و پا کنید. آنگاه خودتان به صف میلیونهای ناراضیان صنفی خواهید پیوست. شاید با خود بگویید که آن مرد، آن یک مشت پوست و استخوان که دهانش خشک بود و اعضای بدنش یکی یکی دچار اختلال می‌شد، آن مرد نحیف و تکیده با ضربان قلب کمتر از ۵۰ تا در دقیقه، جانش را کف دستش گرفت تا برای آینده ی من مبارزه کند.

آن مرد، جعفر عظیم زاده نمادی از من و ما بود. با قامتی کوتاه و جثه ای کوچک برای احقاق حق ما،

صدای زندانیان سیاسی گزارش تصویری از برگزاری میز کتاب سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در گردهمایی باشکوه مقاومت ایران ۹ ژوئیه در پاریس





متن سخنرانی زینت میرهاشمی در گردهمایی بزرگ مقاومت ایران

شنبه ۱۹ تیر ۱۳۹۵ - ۹ ژوئیه ۲۰۱۶

خانمها، آقایان درود بر شما که مشعل مبارزه برای آزادی را علیرغم همه سختیهای آن بر دست گرفته اید و پرتوان مثل همیشه در گردهمایی مقاومت شرکت کردید.

درود می فرستم به زندانیان سیاسی، به کارگران و معلمان زندانی و به مجاهدان پایدار در کمپ لیبرتی

خانمها و آقایان من برای رعایت وقت بسیار فشرده صحبت می کنم.

موضوعی که ما را با زبانها، عقاید و رنگهای متفاوت امروز دور همه جمع کرده، مبارزه با دیکتاتوری مذهبی حاکم بر ایران و مقاومت در برابر همه آنهاست که به زور می خواهند مشعل مبارزه را از ما بگیرند و خاموش کنند است.

دیکتاتوری ولایت فقیه از محدوده مرزهای ایران فراتر رفته و با تروریسم، مانعی جدی برای دستیابی به صلح و آرامش در منطقه است. این دیکتاتوری مانع رسیدن مردم ایران آزادی و تحقق توسعه دموکراتیک از نظر سیاسی و اقتصادی است.

رژیم ایران از یک سو با صدور تروریسم و دامن زدن به جنگ در منطقه، منافع مردم ایران را به خطر انداخته و از سویی دیگر در داخل دست به سرکوب مردم میزند. یکی از هدفهای شورای ملی مقاومت، دستیابی به صلح، دموکراسی و حکومتی غیر دینی و لائیک است. مقاومت سازمانیافته مردم ایران و شورای ملی مقاومت بر این تصمیم مصمم است. در این مسیر همه کسانی که این حکومت ارتجاعی را تقویت می کنند، به بازتولید خشونت چه در ایران و چه در منطقه یاری می رسانند.

کسانی که مقاومت ایران برای رسیدن به خواسته هایش را همراهی می کنند قبل از هر چیز مدافعان پرنسیپها و ارزشهای انسانی هستند.

به نظر من، برای تحقق صلح و دموکراسی در خاورمیانه نیاز ضروری به قطع کامل حمایت از جمهوری اسلامی و قطع روابط دیپلماتیک با این رژیم است. کشورهای جهان باید مناسبات اقتصادی خود با جمهوری اسلامی را مشروط به رعایت حقوق بشر از جانب رژیم ایران کنند. این امر مبارزه مردم ایران برای رسیدن به آزادی را تقویت خواهد کرد.

در پایان با ابراز انزجار از حمله اخیر به کمپ لیبرتی و محکوم کردن این عمل وحشیانه، همبستگی خود را با رزمندگان آزادی در لیبرتی و با زندانیان سیاسی اعلام می کنم.

در پایان همچنین ضروری می دانم از جانب سازمان چریکهای فدایی خلق ایران مراتب همبستگی و احترام خود را به مادران شهدا و زندانیان سیاسی اعلام نمایم سپاس گزارم





سلسله خشونت‌های حکومتی از تهران تا عسلویه

زینت میرهائمی

کرمانشاه تفاوت بین شعار و مطالبه را برای روحانی روشن کرد

منصور امان

تور ظفرنمون حُجّت الاسلام حسن روحانی به مُناسبت سالگرد امضای توافق هسته ای، در نخستین ایستگاه خود در کرمانشاه به انتهای سیاسی خود رسید. در حالی که فضای نیمه خالی مراسم دولتی با تماشای سازماندهی شده اشغال شده بود، اندک کسانی که داوطلبانه پای منبر وی حاضر شده بودند، هدفی جز رساندن صدای اعتراض خود به گوش او نداشتند.

آنها سخنان تکراری آقای روحانی پیرامون بهبود شرایط اقتصادی و وعده های تازه در این راستا را با شعارهای خود در اعتراض به این زبان بازی تبلیغاتی و نیز شرایط وخیمی که در آن بسر می برند، قطع کردند.

اگرچه صداهای جمهوری اسلامی که این مراسم را به طور زنده پخش می کرد همه ورزیدگی خود را برای سانسور اعتراضها و دیده و شنیده نشدن مُعترضان و صدای آنها به کار برد، اما واکنش آقای روحانی خود به تنهایی برای نمایش دامنه و شدت توفانی که با آن روبرو شده بود، کفایت کرد. او به مردم مُعترض پرخاش کرد: "گوش نمی کنید به حرف من. دوباره شعار قبلی تان را می گوید. با شعار دُرُست نمی شود، با شعر دُرُست نمی شود."

حُجّت الاسلام روحانی وانمود کرد که تفاوت بین "شعار" و مطالبه را نمی فهمد. اعتراض حاضران در مراسم مزبور، اما مرزهایی که این دو را از یکدیگر جدا می کند را با صدایی رسا به او یادآوری کرد: "شعر و شعار" از جنس وعده های توخالی است که رییس "دولت اعتدال" پیش و پس از انتخاب خود به این منصب به گونه پیوسته تحویل جامعه می دهد و مطالبه، نیروی مُرکمی است که از تنگنای شرایط موجود بیرون می جهد و برای مثال، علیه ادامه وخامت وضعیت زیست و کار و تغییر نیافتن شرایط با وجود کنار گذاشته شدن پروژه خانمان برانداز هسته ای فعال می شود. تصادف آن است که وعده و "شعار" - تاکتیک محبوب آقای روحانی - یکی از روشهای نرم برای مهار این نیرو است.

اعتراضات فزاینده طبقه اکثریت و اقشار گوناگون جامعه اما حکایت از آن دارد که با ریسمان قسم و آیه، غول رها شده بندی نخواهد شد. جامعه، صاف و صریح سهم خود را از عقب نشینی خارجی "نظام" مطالبه می کند و آنها هم نه به این یا آن شرط و در این یا آن موعده، بلکه بی گفتگو و همینجا! بعد از آمریکا و اروپا، آقایان خامنه ای و روحانی باید طلب مردم ایران را هم واریز کنند، این پرچم یک خودآگاهی سیاسی است که زیر آن صف اعتراضهای صنفی - معیشتی و سیاسی - اجتماعی شکل گرفته و به حرکت درآمده است.

مراسم دولتی کرمانشاه رسیدن صدای اعتراض جامعه به درون قلعه حاکمان جمهوری اسلامی را گواهی می دهد. فریادهای خشمگینانه چنان گلوله آتش از این سو تا آن سوی کشور در گردش است و آنچنان که می نماید، راه خود را به نمایشهای به ظاهر امن حکومتی نیز باز کرده است.

خلیفه ارتجاع در صحبت‌های روز چهارشنبه ۱۶ تیر به مناسبت پایان ماه رمضان، ضمن تکرار حرفهای همیشگی، دو نکته را مطرح کرد که نشان از وضعیت بحرانی نظام و وحشت او از زیر آوار رفتن بارگاه خلافت و نظام پوسیده ارتجاعی اش دارد. دو نکته از صحبت او که بازتولید خشونت در آینده و مشروع کردن خشونت‌های انجام شده در هفته جاری را دارد. خامنه ای در صحبت‌هایش کسانی را هدف قرار داد و گفت:

«می خواهند اسلام بدلی را به دستور اربابان خود ترویج کنند.» وی از «کاهش اعتماد مردم به نظام» حرف زد و آن را «فاجعه» خواند. ولی فقیه در صحبت‌های روز شنبه ۱۲ تیر خود بدون مطرح کردن شعار «مرگ بر اصل ولایت فقیه» به شعارهای قیام مردمی اشاره کرده بود. اما حرفهای خامنه ای، دلواپسان بیت او و ذوب شدگان در ولایت اش هدفی معین دارد. هدف او تأیید خشونت‌های اعمال شده مزدوران رژیم، از لباس شخصیها، بسیجیها گرفته تا ماموران مزدور در نهادهای حکومتی علیه هر جنبنده ای که خلاف دین حکومتی و استبداد دینی حرفی بزند یا گامی بردارد است. دستاورد سخن پراکنیهای خامنه ای همانا تولید و بازتولید خشونت است. روز سه شنبه ۱۵ تیر، ماموران انتظامی همراه با لباس شخصیها به نمازخانه پونک تهران، محل نماز سنیها یورش برده و از ورود آنان به مسجدشان جلوگیری کردند. قبلا در روز دوشنبه ۳ خرداد، نمازخانه اهل سنت در محله تاجرآباد مشهد به دست ماموران شهرداری پلمب شده بود. روز چهارشنبه ۱۶ تیر، دو کولبر کرد به نامهای برهان علم هولو و مصطفی مهریور در مرز چالداران با شلیک مستقیم ماموران رژیم به قتل رسیده و تعداد دیگری زخمی شدند. این کولبران از اهل روستای شوط، چالداران و ماکو بودند. کولبران کسانی هستند که حتا از یک وسیله نقلیه برای حمل بار محروم بوده و بستگی به توان خود با جا به جایی کالا درآمد ناچیزی بدست می آورند و هرگز توانایی رقابت با «برادران قاچاقچی» را ندارند. در هفته گذشته یک جوان تهرانی بعد از دستگیری در بازداشتگاه پلیس بر اثر ضرب و شتم ماموران دچار خونریزی مغزی شده و به قتل رسید. روز چهارشنبه ۱۶ تیر، یکی از اهالی شهر نخل تقی در استان بوشهر توسط شلیک مستقیم مامور انتظامی به قتل رسید. این عمل موجب خشم مردم دو شهر عسلویه و نخل تقی شد. در رویارویی ماموران سرکوبگر با مردم معترض، باز هم یک جوان کشته و تعدادی دیگر زخمی شدند. شلیک مستقیم مزدوران رژیم از زندان شروع و تا خیابان کشیده می شود. این خشونت برای حفظ نظام است و مردم آن را هرگز فراموش نمی کنند.

نبرد خلق

ارگان سازمان

چریکهای فدایی خلق ایران

سرمدبیر: زینت میرهائمی

هیات دبیران: منصور امان، لیلا جدیدی، زینت میرهائمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان، زینت میرهائمی، جعفر پویه، مهدی سامع

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبردخلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبردخلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبردخلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرید

بهای اشتراک سالانه

۲۴ یورو

۳۵ یورو

۴۰ یورو

۴۰ یورو

۱ یورو

فرانسه

اروپا معادل

آمریکا و کانادا

استرالیا

تک شماره

اخبار و گزارشهای جنبش کارگران، مزدبگیران و کارکنان ایران، اخبار تحولات ایران، عراق و مسائل بین المللی مربوط به آن، اخبار و دیدگاههای جنبش زنان را هر روز در سایت ایران نبرد بخوانید.

آدرس سازمان در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار رویدادهای روز ایران و

جهان، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها

بخش شنیداری (راديو پيشگام)

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org



NABARD - E - KHALGH

No : 373- 22 JULY 2016 / Price: \$ 1 – 1.50 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 77 / 91130 Ris orangis / FRANCE

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

با تاسف بسیار آقای پرویز اعظمی بیرانوند درگذشت

موشک باران کمپ لیبرتی را محکوم می کنیم



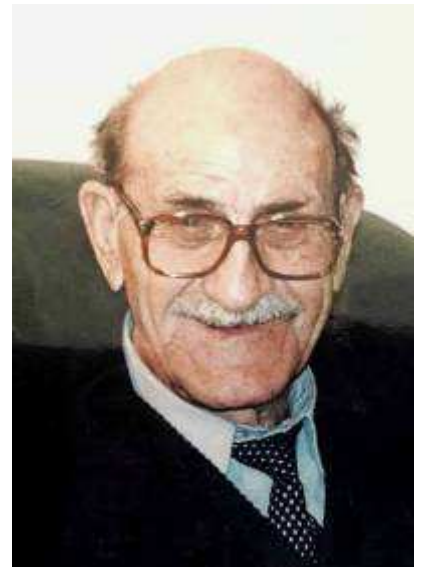
شامگاه امروز کمپ لیبرتی با دهها موشک مورد حمله جنایتکارانه قرار گرفت که در اثر این موشک باران تعدادی از مجاهدان ساکن در کمپ مجروح و بخشهایی از مراکز اسکان ساکنان به آتش کشیده شد.

نباید تردید کرد که این حمله به دستور خامنه ای و به وسیله گروههای مسلح وابسته به سپاه تروریستی قدس صورت گرفته است.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران این عملیات بزدلانه را شدیداً محکوم می کند و دولت‌های عراق و آمریکا را مسئول امنیت ساکنان لیبرتی می داند. ما خواستار پایان دادن به محاصره ظالمانه کمپ

لیبرتی و تسریع در انتقال ساکنان هستیم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
دوشنبه ۱۴ تیر ۱۳۹۵ - ۴ ژوئیه ۲۰۱۶



با تأثر بسیار در روز سه شنبه ۲۹ تیر ۱۳۹۵ آقای پرویز اعظمی بیرانوند، از خوانین مبارز ایل بیرانوند و از بزرگان فامیل اعظمی و پدر پیکارگر شهید فریدون اعظمی، در سن ۹۵ سالگی در تهران درگذشت.

زنده یاد پرویز اعظمی در طول حیات خود متحمل رنجهای بسیار شد. در کودکی پدر او در دوران دیکتاتوری رضا خان بوسه بر طناب دار زد. تنی چند از اقوام نزدیک اش همچون رفقا دکتر هوشنگ اعظمی، سیامک اسدیان، توکل اسدیان هبت الله معینی و عبدالرضا نصیری مقدم در مبارزه برای آزادی و عدالت به دست مزدوران رژیمهای شاه و شیخ به شهادت رسیدند. تعداد زیادی از اقوام آقای پرویز اعظمی و نیز فرزندان این پدر بزرگوار در رژیمهای سلطنتی و جمهوری اسلامی متحمل زندانهای طویل المدت شدند.

زنده یاد پرویز اعظمی همه این دردها و رنجها را با عشق به آزادی و برابری جانانه تحمل کرد و سرانجام برای همیشه این جهان را ترک کرد.

از جانب خود و رفقایم در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران درگذشت آقای پرویز اعظمی را به فرزندان او، به فامیل بزرگ اعظمی، به اقوام و آشنایان وی و به خانواده شهدا و زندانیان سیاسی تسلیت می گویم.

مهدی سامع

پنجشنبه ۳۱ تیر ۱۳۹۵ - ۲۱ ژوئیه ۲۰۱۶

شهادت فدایی در مرداد ماه

رفقا: ناصر فضل الهی - محمد صفاری آشتیانی - فرخ سپهری - مهدی فضیلت کلام - فرامرز شریفی - محمد رضا خوانساری - احمد زبیرم - فریدون شافعی - عباس جمشیدی رودباری - زین العابدین رشتچی - غلامرضا بانزاد - حسین الهیاری - جهانبخش پایداری - مرتضی (امیر) فاطمی - داریوش شفاپیان - قدرت الله شاهین سخن - فرزاد صیامی - بهروز کتابی - سعیده کریمیان - گودرز همدانی - مهدی یوسفی - حسن کهل - زهرا فرمانبردار - حسین پور قنبری - محمد تقی ترابی - محمد رضا رضاعلی - محمد عظیمی - محمد یزدانی - کامران اسماعیل زاده - هادی حسین زاده کرمانی - جواد کاشی - یوسف کیشی زاده - سعید میرشکاری - هرمز گرجی بیانی - ابوالقاسم رشوند سرداری - هامان شفیعی - محمد (محمود) یوسفی - حسین محمدی - بیژن مجنون - عبدالکریم عبدالله پور - سعید سلیمانی نژاد - علی احدی - عباسعلی شریفیان - علی رضا قاسمیان - اسماعیل عابدی - غضنفر اسدی - جمیل اکبری آذر - ونداد ایمانی - مسعود جعفرپور - ابراهیم جلالی - عبدالرحیم (مجید) جلالی - شهرام خدائپناهی - یحیی رجبی - محمد رفیعی - فرهاد سلیمانی - محمدرسول عزیزیان - کاظم کازرونی - فیروز صدیقی - جمشید پورقاسمی - عبدالعظیم سرعتی، از سال ۵۰ تاکنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع به دست مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند، یادشان گرامی باد

